



رویه نادرست مقامهای طالبان با زیردستان؛

کارمندان در پنجشیر به ستوه آمده‌اند



برخورد غیرمسلکی و رفتار توهین آمیز شماری از مسوولان محلی طالبان در پنجشیر، کارمندان اداره‌های ملکی را به ستوه آورده است. شماری از کارمندان اداره‌های دادستانی استیفا و مستوفیت در پنجشیر ادعا دارند که رییسان طالبان برای این اداره‌ها با زیردستان خود برخورد زشت و تحقیر آمیز دارند. این مسوولان با کارمندان پیشین اداره‌های محلی پنجشیر در ستیزند و به بهانه‌های گوناگون آنان را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. کارمندان اداره‌های ملکی پنجشیر، هدف از این اقدام طالبان...



ترومای فقر و زن ستیزی طالبان؛

از دواج‌های اجباری وزیر سن در کشور افزایش یافته است

صادرات سبزیجات به پاکستان؛

یک سیر پیاز در شمال کشور ۴۰۰ افغانی است

طالبان در غور سه خبرنگار به شمول یک خبرنگار زن را بازداشت کردند



تلوویزیون به دلیل طالب بودن معاف شده است و امر پیشین نیز پس از چند روز زندان به قید ضمانت آزاد می‌شود. منبع توضیح می‌دهد که یک خبرنگار و مدیر اداری رادیو تلویزیون غور به ۱۸ روز زندان و لیلا نایل، خبرنگار پیشین این اداره، به دو ماه زندان محکوم شده است.

را تایید می‌کنند. منبع همچنان می‌افزاید: «پس از تاییدی اسناد لیلا نایل در اداره رادیو تلویزیون ملی غور، بخش جنایی فرماندهی امنیت طالبان در این ولایت افرادی را که این اسناد را تایید کرده بودند، بازداشت می‌کند.» براساس ادعای منبع، امر کنونی رادیو

۸صبح، غور: منابع در ولایت غور از بازداشت سه خبرنگار این ولایت به شمول یک خبرنگار زن از سوی طالبان خبر می‌دهند. عبدالواحد حماس، سخنگوی دفتر والی طالبان در غور، روز جمعه، ۱۶ جدی، بازداشت این خبرنگاران را که کارمندان رادیو تلویزیون ملی غور هستند، تایید کرده است. حماس گفته است: «این افراد به علت جعل اسناد بازداشت شده و دوسیه‌های آنان به نهادهای عدلی و قضایی سپرده شده است.» در همین حال، یک منبع دیگر از ولایت غور می‌گوید که طالبان سه خبرنگار را در این ولایت بازداشت و به زندان محکوم کرده‌اند. منبع می‌افزاید: «لیلا نایل، خبرنگار پیشین رادیو تلویزیون ملی هنگامی که می‌خواست نامش را در تذکره تغییر دهد، برای تایید سابقه کاری‌اش به این اداره فرستاده می‌شود. امر فعلی، امر پیشین و دو تن دیگر از خبرنگاران رادیو تلویزیون ملی غور اسناد او

نظریه بازی و جنگ اوکراین

از تهاجم روسیه به اوکراین نزدیک به یک سال می‌گذرد و هنوز معلوم نیست که این جنگ چه زمانی به پایان خواهد رسید. در جریان ۱۰ ماه گذشته...



بنیادهای فکری طالبان

این روزها که طالبان ماهیت واقعی‌شان را هویدا کرده و به باور خود بی‌هیچ ترسی از مخالفان داخلی و «کفار خارجی»، در «تطبيق شریعت» سرگرم‌اند، ساده‌دلانی هنوز به تغییر رفتار آنان امید بسته‌اند...



ندیم: رفتن زنان به آموزشگاه و ورزشگاه «بی‌عزتی» است

۸صبح: ندیم محمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان، گفته است که رفتن زنان به آموزشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و تفریحگاه «بی‌عزتی» است. ندیم روز جمعه، ۱۶ جدی، در یک نوار تصویری می‌گوید که جمهوری «راه اهانت زن» را هموار کرده بود و طالبان این «بی‌عزتی» را ادامه نمی‌دهند. ندیم محمد ندیم می‌افزاید: «اگر اجازه بدهم زن در موسسه کار کند، بی‌حجاب باشد، پارک برود، ورزش کند، به خداوند، ملت مسلمان و علما چه پاسخی بدهم؟» او همچنان می‌گوید: «برادر مجاهد! مسلمان مخلص! این برداشت اشتباه است که بقای نظام را در رضایت خارجی‌ها می‌بینی. بقای نظام به رضایت خدا وابسته است.» طالبان در حالی زنان را از کار و آموزش منع کرده‌اند که بسیاری از شهروندان افغانستان، کشورهای اسلامی و جامعه بین‌المللی این تصمیم را جفای بزرگی در حق مردم کشور خوانده‌اند.



تلاش‌ها برای نجات کارگران معدن طلای بدخشان نتیجه نداده است

ولسوالی یابان ولایت بدخشان، در پی لغزش یک کوه، در معدن گیر مانده‌اند. منابع محلی می‌افزایند که گروه نجات طالبان شامل روسای شهرسازی، مبارزه با حوادث و اطلاعات و فرهنگ این گروه برای بدخشان است. منابع همچنان می‌افزایند که روند نجات به دلیل نبود وسایل پیش‌رفته به کندی به پیش می‌رود. بدخشان از جمله ولایت‌های کوهستانی افغانستان است که شماری از معدن لاجورد، طلا و آهن را در دل خود جا داده است.



۸صبح، بدخشان: منابع محلی از ولایت بدخشان می‌گویند که تلاش‌های گروه نجات طالبان و باشندگان محلی برای نجات جان کارگران گیرمانده در یکی از معدن طلای بدخشان، نتیجه‌ای در پی نداشته است.

منابع روز جمعه، ۱۶ جدی، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این تلاش‌ها نتیجه مثبت نداشته است.

به گفته منابع محلی، این کارگران که شمارشان نزدیک به ۱۰ تن تخمین شده، از دیشب تاکنون در معدنی در روستای خیرآباد



هراس طالبان از رسانه‌ها

طالبان در دور اول حاکمیت، زمانی که رسانه‌های جمعی مثل اکنون توسعه نیافته بود، به آسانی توانستند سکوت را بر گوش و دهان مردم تحمیل کنند. هیچ نشریه غیرامارتی وجود نداشت، تلویزیون و کاست و فته را ممنوع اعلام کرده و برای تفهیم جدیت خود بر چارراه‌ها روده‌های کاست‌ها و فته‌ها را و نیز تلویزیون‌های شکسته را آویزان می‌کردند. پیام‌شان این بود که حق ندارید جز به فرامین طالبان به هیچ صدایی گوش دهید. در آن زمان رادیو تنها رسانه‌ای بود که طالبان نتوانستند به روی مردم ببندند. وطن‌داران افتاده در تاریکی امارت، در خلوت‌شان از رادیوهای بیرونی خبر، تبصره و موسیقی می‌شنیدند و از این‌که تحمیل کامل تاریکی رسانه‌ای از توان گروه طالبان خارج بود، احساس آرامش می‌کردند.

در فاصله دو دهه دوری آن گروه از قدرت، چنان انقلابی در جهان رسانه رخ داد که همه دنیا، حتی عقب‌مانده‌ترین اقشار را چون پر کاه با خود برد. طالبان در جنگ بیست‌ساله برای تبلیغ دیدگاه خود و مغزشویی مخاطبان به‌خصوص کودکان و نوجوانانی که در حوزه نفوذ آن گروه به سر می‌بردند، از امکانات رسانه‌ای بسیار استفاده کردند. در عین حال خبرنگاران و رسانه‌های منتقد از اهداف اصلی حملات‌شان بودند. خبرنگاران را به شیوه‌های بسیار وحشت‌ناک می‌کشتند. در ماه‌های آخر حاکمیت جمهوری اسلامی، ترور فعالان مدنی و خبرنگاران چنان اوج گرفته بود که کار رسانه‌های بی‌شبهت با سربازی نبود. طالبان وقتی به کابل برگشتند، انتظار داشتند که رسانه‌ها احتمالاً قبلاً پیام را گرفته‌اند و با چند فرمان و تنبیه خود را «جمع» خواهند کرد؛ اما رسانه‌ها چنان وسیع و پیچیده شده و در سراسر جامعه ریشه دوانده‌اند که جمع کردن‌شان، به شیوه‌ای که طالبان می‌خواهند، ممکن نیست. طالبان در واکنش به این وضعیت شلاق‌ها را بیرون کشیدند و هشدار و فرمان و زندان را آزمودند. رسانه‌های بسیاری تعطیل شده و خبرنگاران زیادی سکوت کرده یا از کشور بیرون رفته‌اند؛ اما دنیای مجازی بسیار بزرگ‌تر از آن است که با فرمان و زندان کنترل شود. پلتفرم‌های گوناگون در اختیار شهروندان قرار دارد. کسانی آشکار و کسانی با نام مستعار و پنهانی به مقاومت ادامه داده‌اند. با گذشت زمان، طالبان بیشتر متوجه گسترده‌گی رسانه‌ها شدند و دریافته‌اند که خلاف سنگرهای نظامی، پایگاه‌های رسانه‌ای را نمی‌توان کامل «فتح» کرد. این نارضایتی در فرمان ملا هبت‌الله انعکاس یافت که به تاریخ ۳۱ سرطان امسال نشر شد و در آن هر گونه انتقاد از مسوولان طالب را غیرشرعی و مستوجب مجازات خواند. همچنان امسال پیام صوتی از یک مقام طالب نشر شد که در آن رسانه‌ها را خطرناک‌تر از مخالفان نظامی خوانده بود. او با کلمات رکبک از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای یاد کرده و خواهان برخورد شدید با آن‌ها شده بود.

متأسفانه رسانه‌ها بسیار آسیب دیده‌اند و آن‌هایی که هنوز در داخل کشور فعالیت دارند، در موارد بسیاری مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند. اما، رونق‌گیری فعالیت‌های رسانه‌ای در خارج از کشور، به طالبان اجازه نداده است که تک‌صدایی را بر جامعه تحمیل کنند. خبر تازه‌ای که از مسوولان رسانه‌ای طالبان مبنی بر محکمه غیابی رسانه‌های مخالف نشر شده، حکایت از ناچاری آن گروه در کنترل رسانه‌ها دارد. محکمه غیابی شبیه شلاق در هوا کوبیدن، بیانگر سرکوب‌گری طالبان است و به رسوایی بیشتر آن گروه منجر می‌شود. چهره زشت طالبان در رسانه‌ها، ساخته ذهن خبرنگاران و نویسندگان نیست که با سکوت آنان تلطیف شود، بلکه سیاست‌های ضدبشری و رفتارهای بدوی طالبان اگر در هر آینه‌ای انعکاس یابد، مایه ننگ و باعث نفرت می‌شود.

رسانه‌ها فعلاً مهم‌ترین تکیه‌گاه مردم برای ایستاده‌گی‌اند. بدون رسانه، مبارزات زنان و اعتراضات مردم در برابر محدودیت‌های ظالمانه آن گروه بر اقشار مختلف به‌خصوص زنان عمومی نمی‌شد و انعکاس جهانی نمی‌یافت. در شرایطی که انحصار تفنگ در اختیار طالب است، سلاح مردم صدای‌شان است و رسانه‌های تبعیدی فرصت انحصار را در این عرصه از چنگ طالبان گرفته‌اند. هراس طالبان از رسانه‌ها، به‌جا و واقعی است.

کمیته بین‌المللی نجات: بدون زنان در افغانستان خدمات ارایه نمی‌توانیم



۸صبح، کابل: کمیته بین‌المللی نجات (IRC)، گفته است که پس از ممنوعیت کار زنان در افغانستان از سوی طالبان، فعالیت‌های خود در این کشور را توقف داده است.

این کمیته روز پنج‌شنبه، ۱۵ جدی، در بیانیه‌ای گفته است که توانایی‌هایش برای کمک به تمام افغان‌های نیازمند، بر کارمندان زن متکی است و بدون آنان، این کمیته قادر به ارایه خدمات نیست. این کمیته افزوده است: «بدون کارکنان زن در همه سطوح و در همه بخش‌ها، ما نمی‌توانیم کمک‌ها و برنامه‌های اصولی و مبتنی بر نیاز را برای کسانی که بیشتر از این بحران آسیب دیده‌اند، ارایه کنیم.»

این سازمان با اشاره به این‌که ۸۲ درصد از زنان سرپرست خانوار در افغانستان با ناامنی غذایی مواجه‌اند، افزوده است: «نقش زنان در بخش کمک‌های بشردوستانه در افغانستان و در تمام

زمینه‌هایی که ما در آن کار می‌کنیم، یک ضرورت عملیاتی است.» به گفته این کمیته، در بخش‌های حفاظت از زنان، رسیدگی به خشونت مبتنی بر جنسیت و توانمندسازی آنان، چالش‌های زیادی در افغانستان وجود دارد.

با این حال، این کمیته گفته است که پس از دریافت مجوز کار برای زنان که بر بنیاد آن زنان بتوانند به‌طور ایمن و مؤثر کار کنند، به فعالیت‌های خود در افغانستان ادامه می‌دهد.

گفتنی است که کمیته بین‌المللی نجات در سال گذشته به شش میلیون تن در افغانستان کمک کرده است. طالبان یک هفته پیش دستور ممنوعیت کار زنان را طی دستوری صادر کردند؛ دستوری که چندین موسسه کمک‌رسان بین‌المللی را وادار به توقف فعالیت‌شان کرده است.

ادامه ناامنی در غزنی؛ یک جوان در حومه شهر کشته شد

۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی از کشته شدن یک جوان از سوی افراد ناشناس در این ولایت خبر داده‌اند. منابع روز جمعه، ۱۶ جدی، می‌گویند که شام روز گذشته یک جوان با یک عراده موتر از شهر غزنی مفقود شده و پس از چند ساعت جسدش

از ساحه قلعه خنجر واقع در شمال این شهر یافت شده است. منابع می‌افزایند که افراد مسلح پس از کشتن این جوان، موتر او را با خود برده‌اند. در آغاز هفته روان نیز جسد یک جوان که در یک رویداد مشابه کشته شده بود، پس از پنج روز یافت شد

پولیتیکو: امریکا طالبان را مجازات خواهد کرد

طالبان به خارج از کشور و محدود کردن انواع خاصی از کمک‌های بشردوستانه به افغانستان می‌شود. مقام‌های امریکایی افزوده‌اند که بحث در مورد انتخاب نوع مجازات طالبان، تام وست، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان را در مقابل رینا امیری، نماینده ویژه امریکا برای زنان و حقوق بشر افغانستان، قرار داده است.

وست نسبت به انزوای طالبان محتاط است، در حالی که امیری می‌خواهد با آن‌ها سخت‌گیرانه‌تر برخورد شود.

نزدیک به ۱۸ ماه پس از خروج ارتش امریکا از افغانستان و تسلط طالبان بر کشور، مشکلات روزافزون این گروه آسیب‌فزاينده‌ای بر سوابق حقوق بشری جو بایدن، رییس جمهور امریکا، وارد کرده است. بایدن در گذشته گفته بود که امریکا مسوولیتی در قبال سرنوشت زنان و دختران افغانستان ندارد.



۸صبح، کابل: امریکا می‌خواهد طالبان را به دلیل اعمال محدودیت بر زنان مجازات کند.

روزنامه پولیتیکو روز پنج‌شنبه، ۱۵ جدی، به نقل از مقام‌های امریکا نوشته است که بسته‌های پیشنهادی برای مجازات طالبان از سوی امریکا شامل تحریم‌های جدید اقتصادی، ممنوعیت‌های شدیدتر بر سفر رهبران

منع پرداخت طویانه؛ طالبان در کاپیسا طویانه را ۱۵۰ هزار افغانی تعیین کردند



وی هشدار داده است هر فردی که از این دستور سرپیچی کند، ۱۵۰ هزار افغانی جریمه و سپس مجازات خواهد شد.

این مسوول محلی طالبان در کاپیسا در حالی مبالغ طویانه را برای زنان مشخص کرده که چند روز پیش وزارت حج و اوقاف این گروه پرداخت طویانه برای عقد زنان را منع کرده است.

طویانه به پولی گفته می‌شود که خانواده داماد باید حین عقد نکاح به خانواده عروس پرداخت کند.

۸صبح، کاپیسا: مسوولان محلی طالبان در کاپیسا، خلاف دستور وزارت حج و اوقاف این گروه، طویانه دختران جوان را در ولسوالی حصه اول این ولایت ۱۵۰ هزار افغانی و طویانه زنان بیوه را ۸۰ هزار افغانی تعیین کرده‌اند.

مولوی عبدالمتین سعید، ولسوال طالبان برای حصه اول کوهستان ولایت کاپیسا، روز جمعه، ۱۶ جدی، در نشستی با بزرگان قومی گفته است که به استثنای این مقدار پول هیچ هزینه دیگر مربوط خانواده پسر نمی‌شود.

او مراسم نامزدی، شیرینی‌خوری، عیدی، براتی، چاشتی، هفته‌گی، سالگرد تولد، عروسی، نامزدی، شب حنا، آئینه مصاف، پای‌وازی، رفتن به آرایشگاه، یک بریدن و رفتن به ماه غسل را ممنوع کرده است.

شهرزاده بریتانیایی ۲۵ تن را هنگام مأموریتش در افغانستان کشته است

۸صبح، کابل: هری دوک ساسکس، شهزاده سلطنت بریتانیا، در کتاب تازه خود که به زودی منتشر می‌شود، افشا کرده که هنگام مأموریتش در افغانستان ۲۵ شهروند این کشور را کشته است.

آناتولی روز جمعه، ۱۶ جدی، گزارش داده که شهزاده هری این خبر را در کتابش با عنوان «Spare» که هفته آینده در بریتانیا منتشر می‌شود، افشا کرده است.

او که زمان و مکان این قتل‌ها را مشخص نکرده است، گفته که در جریان جنگ در افغانستان، مأموریت‌های او منجر به «قتل جان انسان‌ها» شده است.

او گفته که این شمار از افراد را در دومین مأموریتش در افغانستان هنگامی که خلبان چرخبال آپاچی بوده، کشته است.

معلومات این کتاب که نسخه اسپانیایی آن به طور تصادفی منتشر شده است، آنچه که در مأموریت شهزاده بریتانیا در افغانستان گذشته است را افشا می‌کند.

با این حال، شهزاده هری گفته است که نه افتخار می‌کند و نه شرمند است، زیرا کشته‌شده‌گان «بدانی» بودند که سعی در کشتن «خوب‌ها» داشتند و به آنان به دید «مهره‌های شطرنج» نگاه می‌کرده است، نه مردم.

شاهزاده هری دوک ساسکس به مدت ۱۰ سال در ارتش بریتانیا خدمت کرده و دو مأموریت در افغانستان انجام داد که مأموریت دوم او سال ۲۰۱۳ در هلمند به مدت دو ماه بوده است.

دوک ساسکس اکنون از وظایف سلطنتی خود کناره‌گیری و به همراه همسرش، مگان مارکل، بریتانیا را ترک کرده است.

این در حالی است که پیش از این گزارش‌هایی از جنایات جنگی ارتش بریتانیا طی مأموریت‌شان در افغانستان نشر شد که وزارت دفاع این کشور دستور بررسی مستقل آن را داد.



طالبان در بلخ دستور داده‌اند که مریضان زن به دکتران مرد مراجعه نکنند



۸صبح، کابل: ریاست امر به معروف و سمع شکایات طالبان در ولایت بلخ به کارمندان مرد شفاخانه‌های دولتی و خصوصی و دیگر مراکز صحتی این ولایت دستور داده‌اند که مریضان زن را نپذیرند و همچنان داکتران زن از پذیرش مریضان مرد احتراز کنند.

در اطلاعیه ریاست امر به معروف طالبان برای ولایت بلخ که روز جمعه، ۱۶ جدی، در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته، همچنان آمده است که «اتاق کاری کارمندان صحتی زن و مرد باید از هم جدا باشد.»

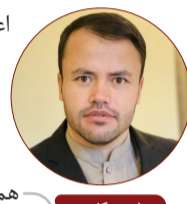
این ریاست افزوده است که مراجعین مرد، به کارمندان صحتی مرد و مراجعین زن به کارمندان صحتی زن مراجعه کنند.

در اعلامیه ذکر شده است که داخل شدن پای‌وازان مرد در اتاق‌های عمومی مریضان زن به‌صورت قطع ممنوع است.

این در حالی است که طالبان پس از تسلط بر افغانستان، محدودیت‌های زیادی را بر زنان وضع کرده‌اند و این محدودیت‌ها با گذشت هر روز زیادتر می‌شود.

ازدواج‌های اجباری وزیرسن در کشور افزایش یافته است

دختران و زنان در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که محرومیت از شغل و آموزش، باعث شده تا آنان حمایت خانواده‌هایشان را نیز از دست بدهند. به گفته آنان، بخش عمده‌ای این مشکلات را خانه‌نشینی و آینده نامعلوم تشکیل می‌دهد؛ چون نمی‌توانند از خانه بیرون بروند و کسب درآمد کنند و این باعث سوءاستفاده‌های فراوان از زنان می‌شود.



امین کاوه

اعمال محدودیت‌های گسترده طالبان بر زنان، مشکلات فراوانی برای دختران به وجود آورده است. پس از آن که این گروه دختران و زنان را از همه حقوق انسانی‌شان محروم و خانه‌نشین ساختند، اکنون بستر

«فروش و ازدواج‌های اجباری و زیرسن» دختران در کشور به شدت افزایش یافته است. روزنامه ۸ صبح در گفت‌وگو با شماری از دخترانی که به دلیل محرومیت از تحصیل و کار مجبور شده‌اند تن به ازدواج‌های اجباری و زیر سن بدهند، دریافته است که محرومیت و ممنوعیت زنان از همه عرصه‌ها، خشونت‌های خانواده‌گی، فروش دختران و تن دادن به ازدواج‌های اجباری و زیر سن را بیشتر ساخته است. در کنار این، مردان کهن‌سال و شماری از مقام‌های طالبان به خاطر مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، چشم به دختران باکره در کشور دوخته و از مجبوریات خانواده‌های فقیر سوءاستفاده می‌کنند و دختران‌شان را به نکاح خود درمی‌آورند.

پس از آن که طالبان در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ افغانستان را در کنترل خود گرفتند، دروازه مکتب‌های متوسطه و لیسه را به روی دختران بستند و زنان را از حق کار، سفر و حضور در اجتماع منع کردند. این گروه در جریان بیش از یک‌ونیم سال گذشته، زنجیرهای از دستورهای زن‌ستیزانه صادر کرده است که به گفته شماری از فعالان حقوق بشری، این اقدام طالبان مصداق بارز «آپارتاید جنسیتی» است.

در همین حال، شماری از زنان در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان مبنی بر حذف کامل زنان از عرصه‌های زندگی جمعی در کشور، بستر خشونت‌های خانواده‌گی، زن‌ستیزی، شی‌واره‌گی و تن دادن به ازدواج‌های اجباری را فراهم کرده است.

دختران و زنان در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که محرومیت از شغل و آموزش، باعث شده تا آنان حمایت خانواده‌هایشان را نیز از دست بدهند. به گفته آنان، بخش عمده‌ای این مشکلات را خانه‌نشینی و آینده نامعلوم تشکیل می‌دهد؛ چون نمی‌توانند از خانه بیرون بروند و کسب درآمد کنند و این باعث سوءاستفاده‌های فراوان از زنان می‌شود.

همتا (نام مستعار) یکی از ده‌ها زنی است که پس از اعمال محدودیت‌های طالبان بر زنان، خانواده‌اش او را در بدل ۵۰۰ هزار افغانی به زور به شوهر داده است. او به قول خودش با خشونت به دنیا آمده و پل‌به‌پله با آن بزرگ شده و با خشونت به بستر هم‌خوابه‌گی با مردی رفته که قرار است یک عمر با او زنده‌گی کند. این دختر می‌گوید: «در یک خانواده مردسالار متولد شدم، خانواده‌ای که از تولد شدن دختر هراس داشتند و به دختر به چشم حقارت می‌دیدند.» همتا که به‌تازگی از یک اقدام خودکشی رهایی یافته، پس از چشم‌گشودن، خودش را در بستر ازدواج اجباری دیده است. او روایت تلخ و دردناکی از زنده‌گی‌اش دارد.

این بانو که از کودکی هم‌آغوش خشونت بوده، هیچ‌گاهی از مبارزه و امید دست نکشیده و به قول خودش هیچ مشکلی او را مثل محرومیت از تحصیل و کار، زمین‌گیر و مجبور به اندیشیدن به مرگ نکرده است. او که روزگاری می‌خواست «داکتر یا پروگرامر» شود، حال که چند روزی از ازدواجش می‌گذرد، می‌گوید: «دیگر هیچ امیدی برای زنده‌گی ندارم، تمام آرزوهایم به گورستان رفت. می‌خواستم داکتر یا پروگرامر شوم، ولی

حالا هم کورس بسته شده، خانه نرفته‌ام. پدرم زنگ زد که حالا کورس بسته شده، دیگر نمی‌توانی درس بخوانی، بیا یک نفر خانه [خواستگاری] آمده است. او را نمی‌شناسم، اما خبر گرفتم که سنش بلند است، چیزی کم چهل سال سن دارد.»

او می‌گوید در میانه ماندن و رفتن، متردد است؛ چون دیگر بهانه‌ای برای بودن در کابل ندارد و همه دریچه‌های امید به فردای بهتر به رویش بسته شده است. او که از لحاظ قانونی کودک شمرده می‌شود و اکنون در برزخ زنده‌گی و کابوس طالبان دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌گوید مردی را که خانواده‌اش برایش در نظر گرفته است، نظر به سنش، شاید زن دیگری هم داشته باشد.

شمسیه می‌افزاید: «پدرم می‌گوید درس خوانده نمی‌توانی، باید ازدواج کنی. تا حال چند بار زنگ زده که بیا. منتظر مانده‌ام کورس بخوانم. نمی‌خواهم عروسی کنم، می‌خواهم درس بخوانم؛ اما می‌بینم راهی وجود ندارد. نمی‌خواهم آن مرد را شوهر کنم. می‌خواهم درس بخوانم، چه کنم؟ تمام راه‌ها بسته شده است. مادرم هم گپ پدرم را می‌گوید که دخترها اجازه بیرون رفتن و درس خواندن را ندارند، چرا باید خانه بنشینند؟ زنده‌گی‌ام تباه می‌شود. این ازدواج را اگر به زور سرم انجام بدهند، کسی هم نیست صدایم را بشنود. ما بدبختیم، امیدوارم این اتفاق تلخ و وحشت‌ناک در زنده‌گی‌ام رخ ندهد و بتوانم درس بخوانم.»

سمیرا (نام مستعار) یکی از دخترانی است که پس از بسته شدن مکتب‌های دخترانه، یکی از فرماندهان طالبان خواستگارش بوده است. او که حتی نمی‌خواهد خانواده‌اش نیز بداند، می‌گوید: «وقتی پدر و مادرم وضعیت را دیدند، به طالب‌ها گفتند که دختر ما نامزد است. قوماندان طالب گفت که خبر داریم که نامزد نیست، باید یک مجاهد را بگیرد، در دنیا و آخرت خوش‌بخت می‌شود. پدر و مادرم عاجل مرا به یکی از خویشاوندان ما نامزد کردند و از زبان پچه خط گرفتند که زمینه درس و تحصیل را برابم مساعد بسازد؛ اما حالا که می‌بینم که هیچ امکان ندارد، رهایی از طالب مرا در چنگال مردی انداخته که هرگز انتظارش را نداشتیم.»

در همین حال، فعالان حقوق بشر ضمن نکوهش محدودیت‌ها بر زنان در افغانستان، طالبان را به نقض حقوق اساسی شهروندان متهم می‌کنند. نعیم نظری، سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «با تأسف، حاکمیت نامشروع طالبان و تسلط پالیسی‌ها و دیدگاه‌های تنگ طالبانی، دروازه‌های مکاتب، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها را به روی دختران مسدود، فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای زنان و دختران را محدود ساخته و میزان امید به آینده روشن را کاهش داده است.» سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این باور است که اقدام‌های زن‌ستیزانه طالبان «مناسبات افغانستان و جهان را مخدوش ساخته، کشور را در فقر فراگیر و فراینده فرو برده و بستر ازدواج‌های اجباری زیر سن و فروش دختران را مساعد ساخته است. صدای مردم محروم کشور شنیده نمی‌شود و جهان سرگرم نظاره و سیاست‌بازی است. این اوج بحران و بدبختی است.»

منیژه باختری، سفیر افغانستان در اتریش، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «انسان‌ها در هر جامعه‌ای ارزش‌گذاری می‌شوند و معیار این ارزش‌گذاری‌ها بیشتر موقعیت تحصیلی، مالی، سیاسی و فرهنگی و زیبایی‌های ظاهری به‌ویژه برای زنان است. در بسیاری از جوامع، زنانی که به منابع تحصیلی و مالی دسترسی ندارند، براساس جوانی و زیبایی‌های ظاهری خود ارزش‌گذاری می‌شوند و در تعاملات اجتماعی به‌عنوان اشیای گران‌بها مورد توجه قرار می‌گیرند و به‌آسانی مانند یک مال تبادل می‌گردند. از جانب دیگر، زنان با از دست دادن موقعیت تحصیلی و اقتصادی خود تبدیل به انسان‌های درجه دوم، شی و ملک می‌گردند و حق تعیین سرنوشت خود را از دست می‌دهند. دانش و منابع مالی فاکتورهای اساسی قدرت‌اند و هر انسانی که از این دو محروم می‌گردد، به حاشیه می‌رود.»

سفیر افغانستان در اتریش تاکید می‌ورزد: «پس از

حکم‌روایی طالبان، زنان افغانستان تمام حقوق خود را از دست داده، خانه‌نشین شده‌اند و درآمد و موقعیت اجتماعی خود را از دست داده‌اند. قوانین، نهادها و ساختارهایی که از درس و کار زنان حمایت می‌کردند، یک‌سره ملغاً شده‌اند و نه تنها طالبان، بلکه بسیاری دیگر که به‌نحوی تفکر طالبانی را بر دوش دارند، از مقاومت و اعتراض زنان حمایت نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند که زن در نقش سنتی خانه‌داری مقید گردد و از جامعه، سیاست و فرهنگ به‌صورت کامل حذف شود.»

خانم باختری توضیح می‌دهد: «افغانستان یک کشور سنتی است و در روابط اجتماعی و تعاملات آن ازدواج رکن اساسی زنده‌گی به شمار می‌رود. یک مثل قدیمی که روح جامعه را بازتاب می‌دهد، این است که «دختر زن را در اجتماع بر نمی‌تابد و او را بیشتر در مقام مادر ارزش می‌دهد. در مناسبات سنتی و قبیله‌ای افغانستان، بد دادن دختران، خرید و فروش و ازدواج‌های زود هنگام و نابرابر تاریخ طولانی دارد و طالبان بار مضاعف شرم بر شانه‌های این تاریخ خونین و جنایت‌بارند. به‌ویژه حالا و در چنین فضایی که روزنه‌های امید بسته شده، در بسیاری از خانواده‌ها زنان به اشیای قابل خرید و فروش تبدیل شده‌اند. وقتی بسیاری از خانواده‌ها می‌بینند که دیگر دختران‌شان به مکتب و دانشگاه نمی‌روند و عاید و درآمدی نیز در آینده نخواهند داشت که دلیل ارزش بیشتر گردد، آسان‌تر است که پیشنهادهای ازدواج را بپذیرند. خانواده‌های فقیر، ازدواج و فروش دختر خود را به‌عنوان یک منبع اقتصادی می‌نگرند. دختر بچه‌های کوچک به‌عنوان اشیا فروخته می‌شوند، ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زیر سن و بهره‌برداری‌های جنسی از دختران افزایش می‌یابد.»

سفیر افغانستان در اتریش تصریح می‌کند: «اگر این وضعیت همچنان ادامه یابد، میلیون‌ها دختر دیگر قربانی بهره‌برداری و استثمار جنسی مردان به‌عنوان زن دوم، سوم، چهارم و کنیزی در خدمت مردان درمی‌آیند. اساساً یکی از مهم‌ترین دلایلی که طالبان امکان و فرصت‌های پیش‌رفت زنان را گرفته‌اند، مهیا ساختن فرصت ازدواج‌های نابرابر برای جنگ‌جویان‌شان است. آنان به نیکی می‌دانند که یک دختر تحصیل‌کرده و بادانش و دارای درآمد، یک ملا و طلبه بی‌سواد و دور از تمدن را به‌عنوان همتا و همسر خود نمی‌پذیرد، بناءً تمام سیاست‌گذاری‌هایشان در راستای فلج ساختن توان‌مندی‌های زنان و سوءاستفاده از فقر مفرط خانواده‌ها است. بدون شک دیدگاه سنتی و کلیشه‌ای مردم، در رابطه به موقعیت و حقوق زنان نیز ورنه را به نفع سیاست‌های غیرانسانی طالبان می‌چرخاند. ناگفته نباید گذاشت که در روستاها و دهکده‌های دوردست طالبان و سایر زورمندان با جرئت بیشتر و با زور میله تفنگ، دختران نوجوان و کم‌سال را هدف می‌گیرند و خانواده‌ها هم از سر ناچاری متابعت می‌کنند.»

این در حالی است که مولوی نبی غفوری، از عالمان دین در فاریاب، چندی پیش در یک نشست مردمی، در مورد ازدواج دختران با نیروهای طالبان به دختران گفته است که «یا زن ملا باشید یا گاو ملا.» در یک نوار تصویری که منابع محلی روز شنبه، ۶ جدی، به ۸ صبح فرستاده‌اند، این ملا در حال صحبت در مورد وضعیت زنان در کشور است و دختران را به ازدواج با نیروهای طالبان ترغیب می‌کند.

افزون بر او، ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، پس از اعلام ممنوعیت تحصیل و بسته شدن دروازه‌های دانشگاه گفته است که در اسلام نفاقه زن بر مرد فرض است و «عقل سلیم» حکم می‌کند که مرد کار کند، نه زن. از نظر او در صورتی که مردان کار کنند، نیاز به کار زنان نیست. این در حالی است که پیش از این شمس‌الدین همایون، ولسوال طالبان برای ولسوالی درقد ولایت تخار، طی یک هفته دو بار ازدواج کرده است.

ندیم همچنان گفته است که رفتن زنان به آموزشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و تفریحگاه‌ها «بی‌عزتی» است. او روز جمعه، ۱۶ جدی، در یک نوار تصویری گفته است که جمهوریت «راه اهانت زن» را هموار کرده بود و طالبان این «بی‌عزتی» را ادامه نمی‌دهند. ندامحمد ندیم افزوده است: «اگر اجازه بدهم زن در موسسه کار کند، بی‌حجاب باشد، پارک برود، ورزش کند، به خداوند، ملت مسلمان و علما چه پاسخی بدهم؟»

به دنبال وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان بر زنان، دروازه‌های مکتب‌های متوسطه و عالی، دانشگاه‌ها، حمام‌ها، ورزشگاه‌ها و مکان‌های تفریحی به روی زنان مسدود شده و زنان از حق آموزش، تحصیل، کار و سفر محروم شده‌اند. شمار زیادی از زنان و فعالان حقوق بشری، رفتار طالبان در قبال زنان را مصداق بارز «آپارتاید جنسیتی» خوانده‌اند.

ملاهای اخوانی وبرخورد دوگانه بامسایل زنان

خاموشی اتحادیه علمای مسلمان در قبال زن‌ستیزی‌های گروه طالبان در افغانستان این نکته را آشکار می‌کند که تا هنوز هم اخوانی‌ها پای‌بند دیدگاه‌هایی‌اند که از حسن‌البناء به آن‌ها رسیده است؛ دیدگاه‌هایی که تبعیض در حق زنان را تئوریزه می‌کند.

کوهی

بیش از ۹۰ سال از تأسیس سازمان اخوان المسلمین در مصر می‌گذرد؛ سازمانی که در آغاز به مصر خلاصه می‌شد، ولی به تدریج عالم‌گیر شد و شاخه‌های آن در سراسر جهان گسترش یافت. این سازمان در این مدت طولانی، شکست‌ها و پیروزی‌هایی را شاهد بوده و فرازونشیب‌هایی را تجربه کرده است. سازمان اخوان المسلمین به همان اندازه که دوست‌داران فراوانی دارد که جز نیکویی و هنر در آن چیزی نمی‌بینند، دشمنان پرشماری هم دارد که می‌کوشند معایبش را جست‌وجو و برجسته کنند و لغزش‌هایش را بزرگ جلوه دهند.

با همه این احوال، اگر بدون حب‌و‌بغض به تاریخ فعالیت‌های سازمان اخوان المسلمین نگاه کنیم، این معنا به دست ما می‌آید که برای این گروه سخنان و عقایدی که بنیان‌گذار آن، حسن‌البناء، به یادگار گذاشته، تا سرحد قداست ارزش دارد و تا هنوز که هنوز است شخصی در میان اخوانی‌ها این جسارت را به خرج نداده که با صراحت و بی‌هراس ایده‌های حسن‌البناء را بازخوانی و نقد کند. برخی از ایده‌هایی که حسن‌البناء در زمان حیاتش هرازگاهی به ترویج آن دست یازیده، ایده‌هایی زن‌ستیزانه است و به دنبال حاشیه‌های و کم‌رنگ نشان دادن جایگاه زن در جامعه اسلامی است. حسن‌البناء در جایی چنین گفته است: «فرنگی‌مآبان و صاحبان هوس‌های نفسانی می‌خواهند زنان از حق انتخاب و حق وکیل مدافع شدن برخوردار باشند. برای آن‌ها باید گفت، مردان که از عقل کامل‌تر در قیاس به زنان بهره‌ورند، نتوانسته‌اند به‌درستی سهم این کارها را بگزارند، زنان چگونه از عهده این کارها برخواهند آمد، حال آن‌که ناقص‌العقل و دین هم هستند.»

بعدها پیروان حسن‌البناء با استفاده از روش‌های متفاوت کوشیدند این موضع‌گیری رهبرشان را به نوعی توجیه کنند و بگویند که حسن‌البناء این حرف‌ها را در کانتکست زمانی و اجتماعی متفاوتی بیان کرده است و اگر وی حالا زنده می‌بود، حتماً دیدگاه‌هایش را تغییر می‌داد. دوست‌داران حسن‌البناء ادعا می‌کنند که حالا اخوان المسلمین از این سخنان عبور کرده و پخته‌تر شده و اکنون به حق انتخاب و کار و تحصیل و سایر حقوق زنان کاملاً باور دارد و اصلاً به کسی فرصت چون‌و‌چرا در این باره را نمی‌دهد.

شاید این ادعا که هواداران اخوان المسلمین در برابر حقوق زنان از باورها و عقاید حسن‌البناء عبور کرده‌اند، تا حدودی درست و بیانگر فشاری باشد که از ناحیه مدافعان حقوق زنان بر آن‌ها وارد شده و آنان را ناگزیر ساخته تا از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کنند، ولی این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که اخوانی‌ها هنوز هم به بعضی ایده‌های زن‌ستیزانه باور دارند؛ حتا اگر بپذیریم که تعدیل خفیفی در این باورها ایجاد کرده‌اند. سکوت مرگ‌بار ملاهای سازمان اخوان المسلمین در برابر اجحاف‌های طالبان در حق زنان و ایجاد محدودیت‌های بی‌سابقه بر آموزش و تحصیل و کار آن‌ها، به‌خوبی همه چیز را برملا می‌کند. گاهی حوادث به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که همه چیز را آفتابی می‌کند و فرصتی برای توجیه باقی نمی‌گذارد.

اتحادیه علمای مسلمان در قطر شاخه علمایی سازمان جهانی اخوان المسلمین به حساب می‌آید. دکتر یوسف قرضاوی این نهاد را در سال ۲۰۰۴ در دوحه بنیاد گذاشت. در طی این سال‌ها این نهاد به‌خوبی از دیدگاه‌های سازمان اخوان المسلمین نمایندگی کرده و مواضع این گروه را در باب مسأله‌های دینی شفاف و روشن کرده است. ملاهای برجسته وابسته به تفکر اخوانی در این نهاد گرد هم آمده‌اند و به‌صورت هماهنگ با دیگر بخش‌های سازمان اخوان المسلمین کار و فعالیت می‌کنند.

خاموشی اتحادیه علمای مسلمان در قبال زن‌ستیزی‌های گروه طالبان در افغانستان این نکته را آشکار می‌کند که تا هنوز هم اخوانی‌ها پای‌بند دیدگاه‌هایی‌اند که از حسن‌البناء به آن‌ها رسیده است؛ دیدگاه‌هایی که تبعیض در حق زنان را تئوریزه می‌کند. از زمان تأسیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان تا کنون، این نهاد در برابر حادثه‌های بسیار جزئی و کوچک اعلامیه صادر می‌کند و مواضعش را به اطلاع عموم می‌رساند. پرسش این است که اکنون چرا در برابر تبعیض و ظلم آشکاری که در حق میلیون‌ها زن در افغانستان صورت می‌گیرد، خاموش است، به‌گونه‌ای که گویا آن‌چه طالبان در حق زنان مرتکب می‌شوند، بخشی از اصول دین است و دلیلی برای اعتراض وجود ندارد؟ مظالمی که بر مردان و زنان افغانستان جریان دارد، آن‌چنان هول‌انگیز و غیر قابل تحمل است که صدای اعتراض انسان‌ها و نهادهای مختلف در سراسر جهان را بلند کرده، اما ظاهراً خبر آن تا هنوز به دوحه نرسیده است.

وقتی به اعلامیه‌های چندین پیش اتحادیه علمای مسلمان که درباره فیصله دادگاهی اروپایی مبنی بر ممنوع‌سازی حجاب برای زنان مسلمان در فضای کار در اروپا صادر شده توجه کنیم، به‌خوبی درک می‌کنیم که ملاهای اخوانی تا چه اندازه نسبت به مسایل برخورد دوگانه دارند و از موضوع زن به‌صورت ابزاری استفاده می‌کنند. نهاد یادشده در اعلامیه‌اش نوشته است که تصمیم دادگاه اروپا در باب ممنوع‌سازی حجاب برای زنان مسلمان در فضای کار، آزادی‌ها و حقوق مسلمانانی را که شهروند کشورهای اروپایی هستند نقض می‌کند

اتحادیه علمای مسلمان به روز پنج‌شنبه، ۱۵ جدی ۱۴۰۰، اعلام کرد که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، از دیدار با هیأتی از این نهاد که قرار بود با وی ملاقات کند، خودداری کرده است. دبیر کل این نهاد، علی‌القره‌داغی، گفته است که نماینده‌گان بلندمرتبه از این نهاد قصد داشتند «در راستای محکم‌سازی پیوندهای علمایی و در جهت استوارسازی رابطه‌های ایمانی» به قندهار بروند تا با «امیر افغانستان»، رهبر طالبان، دیدار کنند و با وی درباره «مجموعه‌ای از مسایل مهم، مشاوره و تبادل نظر کنند.



و باید این دادگاه هرچه زودتر در این باره تجدید نظر کند. اعلامیه در ادامه از اروپایی‌ها خواسته است که با همه شهروندان خود مساویانه رفتار کنند و برای همه زنده‌گی مسالمت‌آمیز براساس احترام به فرهنگ‌ها و ادیان مختلف را فراهم آورند. در پایان این اعلامیه آمده است که فیصله‌ها و تصمیم‌هایی که از آن دشمنی با اسلام و مسلمانان استنباط می‌شود، سازگار با شرایط عصر حاضر نیست و رفتاری است که هم‌خوانی بیشتر با قرون وسطا دارد.

ناظر بیرونی وقتی می‌بیند ملاهای اخوان المسلمین با این لحن تند در برابر حوادث اروپا صحبت می‌کنند، توقع دارد که این نهاد با همین لحن در برابر وقایع افغانستان هم موضع بگیرد. موضع‌گیری اینان در خصوص آن‌چه به دست طالبان انجام می‌گیرد و با هر متر و معیاری که سنجیده شود ظلم آشکار در برابر همه شهروندان و مخصوصاً زنان است، چیست؟ این نهاد تا کنون هیچ واکنشی که بیانگر نارضایتی‌اش از وضعیت موجود باشد، نشان نداده است. تنها واکنشی که در این زمینه تا کنون انجام داده، خبری است که از سوی این نهاد منتشر شده و با لحنی چاپلوسانه و ستایش‌گرانه از حکومت طالبان سخن می‌زند و حکومت این گروه را نمونه بارز یک حکومت اسلامی نشان می‌دهد.

اتحادیه علمای مسلمان به روز پنج‌شنبه، ۱۵ جدی ۱۴۰۰، اعلام کرد که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، از دیدار با هیأتی از این نهاد که قرار بود با وی ملاقات کند، خودداری کرده است. دبیر کل این نهاد، علی‌القره‌داغی، گفته است که نماینده‌گان بلندمرتبه از این نهاد قصد داشتند «در راستای محکم‌سازی پیوندهای علمایی و در جهت استوارسازی رابطه‌های ایمانی» به قندهار بروند تا با «امیر افغانستان»، رهبر طالبان، دیدار کنند و با وی درباره «مجموعه‌ای از مسایل مهم» مشاوره و تبادل نظر کنند. وی گفته وی این درخواست یک ماه قبل و پیش از آن‌که طالبان تصمیم به بستن دانشگاه‌ها به روی دختران بگیرند، صورت گرفته بود.

این نهاد در این اعلامیه خاطرنشان کرده که مسلمانان «امت یگانه» هستند و علمای دین وارثان پیغمبران‌اند و به همین علت توجه به مسایل امت و خصوصاً موضوع کامیابی افغانستان (طالبان)، از فریضه‌های شرعی است. اتحادیه در ادامه اعلامیه افزوده که همه جهان به سوی این تجربه اسلامی جدید در افغانستان نگاه می‌کند و آرزوهای مسلمانان به آن پیوند خورده است و همه دوست دارند طالبان در زمینه برپایی حکومت نیرومند و عادل که اساس کارش بر رحمت و کرامت انسان استوار باشد و حقوق زن و مرد را رعایت کند، به موفقیت برسند، و اگر این تجربه خدای‌نخواستار ناکام شود و نتواند نمونه‌ای واقعی از جمال و کمال و عدالت و رحمت اسلام به نمایش بگذارد، دشمنان اسلام حتماً شبهه برمی‌انگیزند و شایسته‌گی اسلام برای نیازهای زمان معاصر را زیر سوال می‌برند.

براساس این اعلامیه، هیات اتحادیه جهانی علمای مسلمان قرار بود به قندهار برود تا در زمینه اختلاف‌ها و چنددسته‌گی‌های احتمالی میان رهبران طالبان نیز پادرمیانی کند. همچنین هدف از این دیدار تلاش برای باز کردن دروازه‌های دنیا به روی طالبان و فراهم‌سازی کمک‌های لازم برای مقابله با گرسنه‌گی و نیز فراهم‌سازی امکانات و وسایل آموزشی برای مردم افغانستان بود. اعلامیه در پایان متذکر شده که اتحادیه جهانی علمای مسلمان معذرت طالبان را می‌پذیرد و بر پایه برادری ایمانی همکاری و ارتباطش را با طالبان برقرار و محکم نگه می‌دارد. سکوت عجیب اتحادیه علمای مسلمان در برابر نقض گسترده حقوق زنان توسط طالبان برای دیربازترین آدم‌ها هم این نکته را قبولاند که اخوان المسلمین و ملاهای این سازمان، تا هنوز هم از دین به‌عنوان ابزاری برای تأمین مصالح سیاسی گروهی خاص استفاده می‌کنند. این گروه خود را مدافع حقوق زنان در غرب می‌شمارد و فیصله دادگاه اروپایی را به‌شدت محکوم می‌کند تا به پیروانش نشان دهد که ما از حقوق مسلمانان دفاع می‌کنیم؛ اما چشم‌اندش را در برابر جنایت‌های طالبان در حق زنان می‌بندد و اندک‌ترین واکنشی در برابر مظالم طالبان نشان نمی‌دهد. این برخوردهای دوگانه مشتت را باز می‌کند و چهره واقعی‌اش را برآفتاب می‌افکند. البته این احتمال هم وجود دارد که اخوانی‌ها واقعاً با طالبان هم‌فکر و هم‌داستان‌اند و همانند بنیان‌گذار سازمان خود، حسن‌البناء، زنان را «ناقص‌العقل و دین» می‌پندارند و سرکوب و خانه‌نشین کردن آنان از سوی طالبان را امری شرعی تلقی می‌کنند. طالبان با آن‌که دیوبندی هستند و از سرچشمه‌های دیگری تغذیه می‌کنند، اما ظاهراً در سرکوب زنان و به حاشیه راندن آنان، با اصول سازمان اخوان المسلمین و باورهای بنیان‌گذار آن، وجوه مشترک دارند. اگر این احتمال درست باشد، پس چرا اخوانی‌ها شهامت اخلاقی به خرج نمی‌دهند و نظرات خود را به‌روشنی با مردم در میان نمی‌گذارند!

قطر، سازمان اخوان المسلمین و ملاهای این گروه، سیاست می‌ورزند و در موضع‌گیری‌های‌شان مرتکب سالوس و ریا می‌شوند و نسبت به حوادث و رویدادها از معیارهای دوگانه استفاده می‌کنند؛ اما برای ما که از سیاست و سیاست‌بازی بیزاریم و حقوق و کرامت انسان‌ها از اهمیت اصلی و مرکزی برخوردار است، آن‌چه طالبان انجام می‌دهند، به هیچ صورت قابل نادیده گرفته شدن نیست. طالبان گروهی است که نماینده‌گی از کهنه‌اندیشی و تاریک‌فکری می‌کند و با زمین و زمانه ما بیگانه است. در شرایطی که زنان در دیگر کشورها در عرصه‌های مختلف زنده‌گی حضور فعال دارند و از حقوق بی‌پیشینه برخوردار شده‌اند، این‌که گروهی از مغاره‌ها و کوه‌ها سر برآورد و بخواهد کرامت و حق زنان را پای‌مال کند و آنان را از تحصیل، کار، سرگرمی و ورزش محروم بسازد، به هیچ صورت قابل قبول نیست و باید همه آن را آشکارا محکوم کنند. اخوانی‌ها و ملاهای اخوانی با سکوت‌شان در برابر این همه جنایت و خیره‌سری طالبان، ممکن است متاع ناچیز دنیا را به دست آورند، اما اعتبار خود را در نزد مردم از دست می‌دهند و چهره‌ای دل‌آزار از خود به نمایش می‌گذارند.

کارمندان در پنجشیر به ستوه آمده‌اند

۸ صبح، پنجشیر



برخورد غیرمسلکی و رفتار توهین‌آمیز شماری از مسوولان محلی طالبان در پنجشیر، کارمندان اداره‌های ملکی را به ستوه آورده است. شماری از کارمندان اداره‌های دادستانی استیناف و مستوفیت در پنجشیر ادعا دارند که رییس‌ان طالبان برای این اداره‌ها با زیردستان خود برخورد زشت و تحقیرآمیز دارند. این مسوولان با کارمندان پیشین اداره‌های محلی پنجشیر در ستیزند و به بهانه‌های گوناگون آنان را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. کارمندان اداره‌های ملکی پنجشیر، هدف از این اقدام طالبان را آوردن فشار برای کنار رفتن از وظایف دولتی عنوان می‌کنند. آگاهان امور اما رویه زشت طالبان با شهروندان و کارمندان اداری را برخورد شخصی، عقده‌ای و غرض‌آلود توصیف می‌کنند.

این کارمند دادستانی استیناف پنجشیر اضافه می‌کند که از برخورد زشت قاری منیب با زیردستانش نزد دادستانی کل طالبان نیز شکایت کرده‌اند، اما این مسوول محلی خلاف دستور مقام‌های مرکزی طالبان عمل می‌کند و به تحقیر کارمندان پیشین ادامه می‌دهد. او توضیح می‌دهد: «ما این مشکل را از طریق به مقام‌های دادستانی کل رساندیم و آنان پس از شکایت ما قاری منیب را به مرکز احضار کرده بودند، اما او توجه نمی‌کند. مشکل ما از طرف مقام‌های مرکزی دادستانی نیست و تمام مشکلات را خود قاری منیب خلق کرده است. ولایت پنجشیر در حال حاضر یک ولایت جنگ‌زده است. هیأتی نیز مثل ولایات دیگر به این ولایت به خاطر بررسی مشکلات و دستاوردهای ادارات ملکی از سوی مرکز اعزام نمی‌گردد. این‌جا هر کسی هر قسمی که دلش شکایت ما به دادستانی کل برسد. بسیاری از کارمندان وادار به ترک وظیفه شده‌اند.»

احمد (نام مستعار) یکی از کارمندان دادستانی استیناف ولایت پنجشیر است که به دلیل حساسیت موضوع، نمی‌خواهد نام و موقمش در گزارش درج شود. او ادعا دارد که قاری عبدالجلال منیب، رییس دادستانی استیناف ولایت پنجشیر، کارمندان این اداره را که بیشترشان از زمان حکومت پیشین هستند، مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهد. احمد در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «قاری منیب، علنی خطاب به ما می‌گوید که شما کارمندان جمهوریت هستید، شما فاسد هستید، نوکرهای غربی‌ها بوده‌اید و قوانین کشورهای غربی و کفری را تطبیق می‌کردید. اما کارمندان به دلیل ترس و مشکلات اقتصادی که دارند، تا امروز به‌صورت علنی لب به شکایت باز کرده ن توانسته‌اند. این وضعیت تمام ما را به ستوه آورده است.»

در کنار این، شمار دیگری از کارمندان ریاست دادستانی استیناف پنجشیر، رییس طالبان برای این اداره را به حیفومیل امتیاز «اضافه‌کاری» خود متهم می‌کنند. عبدالله (نام مستعار) می‌گوید: «قاری منیب پول نوکری‌والی بیشتر کارمندان و قرطاسیه را هم در جیب خود می‌زند و به هیچ کسی پاسخگو نیست. ما از جیب خود قرطاسیه خریداری می‌کنیم. از طرف دیگر، یک تعداد از کارمندان از زمان حکومت‌های پیشین تاکنون که از ولایات‌های دیگر هستند و به دلیل طولانی بودن مسیر راه، در دفاترشان می‌خوابیدند را نیز گفته است که نباید دیگر در دفاتر

دولتی است. در همین حال، شماری از حقوق‌دانان برخورد زشت طالبان با مردم و نظام اداری کشور را رویه شخصی، عقده‌مندانه و غرض‌آلود عنوان می‌کنند. آرش شهیرپور، یکی از حقوق‌دانان کشور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «برخورد طالبان با مردم و نظام اداری کشور، برخورد شخصی، عقده‌ای، متحجرانه و غرض‌آلود است و این کار را در عمل در تمام بخش‌های اداری افغانستان ثابت کرده‌اند. برخورد اخیر مسوولان طالبان با کارمندان اداری در ولایت پنجشیر اوج عقده‌گشایی این گروه را نشانه می‌گیرد و این کار خلاف همه قواعد داخلی، اخلاق و عرف پسندیده اجتماعی افغانستان، دین اسلام و قواعد حاکم در نظام حقوقی بین‌الملل است.» شهیرپور اضافه می‌کند: «مسوولان طالبان باید بدانند که عقده‌گشایی در عصر امروزی نه تنها باعث ثبات در نظام طالبانی نمی‌شود، بل سرعت خزان شدن بهار طالبانی را نیز بیشتر می‌کند.»

از سوی دیگر، شماری از آگاهان سیاسی می‌گویند که طالبان در صد خالی کردن پنجشیر از «سکنه» اند. فریداحمد منیب، استاد دانشگاه و آگاه مسایل سیاسی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح این اقدام طالبان را برنامه‌ریزی شده عنوان می‌کند. این استاد دانشگاه می‌افزاید: «طالبان در پنجشیر برنامه مشخصی دارند؛ این برنامه، حذف حضور فزینی افراد چه نظامی و چه غیرنظامی بومی و حتا خانواده‌ها از این ولایت است. امکان دارد که تا چند ماه آینده برنامه طالبان تکمیل شود و پنجشیر را خالی از سکنه بسازند، خالی از کارمندان ادارات محلی و نیروی نظامی بومی بسازند. این اقدام در برخی از ولایت‌های شمالی کشور نیز عملی شده است. طالبان از خلای قوانین، خلای نظارت و خلای تطبیق نظارت از معیارهای بین‌المللی استفاده سوء می‌کنند. به همین اساس آن‌چه می‌خواهند و باور دارند، انجام می‌دهند.»

طالبان تاکنون در مورد این ادعاها ابراز نظر نکرده‌اند؛ اما از زمان آغاز حاکمیت بر کشور تاکنون در اداره‌های بیشتر ولایت‌ها به‌ویژه در پنجشیر روند تصفیه قومی را آغاز کرده‌اند. بر بنیاد گزارش‌های نشر شده، طالبان در ماه میزان سال روان خورشیدی، دست‌کم ۴۰۰ کارمند اداره‌های ملکی و نظامی را از دفاتر دولتی این ولایت به‌گونه گروهی برکنار کرده‌اند. از میان افراد برکنار شده حدود ۳۰۰ تن آنان را کارمندان اداری و نظامیان فرماندهی امنیه طالبان در پنجشیر تشکیل می‌دهند. همه این افراد تاجیک‌تبار بودند و در اواخر میزان امسال از فرماندهی امنیه، مقام ولایت، مدیریت پاسپورت و دیگر اداره‌های دولتی برکنار شدند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهند که طالبان به جای این افراد باشندگان ولایت‌های قندهار و هلمند را استخدام کرده‌اند.

بخوابند و بروند به خانه‌های‌شان. هزینه رفت‌وآمد هر کدامشان روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ افغانی تمام می‌شود. همچنان به کارمندان حتا رخصتی قانونی نمی‌دهد و می‌گوید که بریود دست‌تان خلاص، به هر کسی که شکایت می‌کنید آزاد هستید، من رخصتی نمی‌دهم.» در مکتوبی که به دسترس روزنامه ۸ صبح قرار گرفته، نیز دیده می‌شود که رییس دادستانی طالبان برای استیناف پنجشیر، بودیباش خارج از رسمیات کارمندان این اداره در دفاتر دولتی را منع قرار داده است. در مکتوب آمده است: «به تمام کارمندان هدایت داده می‌شود تا در اوقات خارج از رسمیات از بودیباش در دفاتر خودداری نمایند، در غیر آن صورت مسوولیت بعدی به عهده خودشان خواهد بود.»

بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، تعداد مجموعی کارمندان حکومت پیشین که تاکنون در ریاست دادستانی استیناف طالبان برای پنجشیر وظیفه اجرا می‌کنند، به ۵۳ تن رسد. شماری از این کارمندان به دلیل دوری محل سکونت، روز و شب خود را در اداره دولتی سپری می‌کنند. در جریان حکومت پیشین این روند جریان داشت و هیچ کسی مانع حضور شبانه‌روزی آنان در دفاتر دولتی نمی‌شد. اکنون اما مجبورند یا هزینه رفت‌وبرگشت را متحمل شوند و یا ترک وظیفه کنند.

در کنار این، شماری از کارمندان اداره مستوفیت ولایت پنجشیر نیز از برخورد زشت مولوی گل‌احمد حنفی، مستوفی طالبان برای این اداره، شکایت دارند. یکی از کارمندان این اداره که از ذکر نامش در این گزارش خودداری می‌شود، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «مولوی حنفی با کارمندان حکومت پیشین اصلا برخورد خوب نمی‌کند و همواره ما را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهد. بهانه‌های ناحق می‌گیرد تا ما خود وادار شویم که وظایف ما را ترک کنیم. در برخی موارد ما را به فساد مالی هم در حکومت پیشین متهم می‌کند.»

بر اساس اطلاعات موجود، رییس دادستانی استیناف و مولوی گل‌احمد حنفی، مستوفی طالبان برای پنجشیر، باشندگان اصلی این ولایت و از نزدیکان مولوی قدرت‌الله هستند. کارمندان اداره‌های ملکی در پنجشیر، هدف از این اقدام طالبان را آوردن فشار بر کارمندان پیشین این اداره‌ها عنوان می‌کنند و می‌گویند این فشار به هدف کنار زدن از وظایف

صادرات سبزیجات به پاکستان؛

یک سیر پیاز در شمال کشور ۴۰۰ افغانی است

۸ صبح، جوزجان



سوی اداره‌های زیر اداره طالبان است. به گفته او، در صورتی که صادرات این محصولات باعث بلند رفتن قیمت‌ها شده باشد، باید از صادرات آن جلوگیری شود تا شهروندان متضرر نشوند. جواداحمد، باشند ولایت سرپل، ضمن شکایت از افزایش بهای سبزیجات، می‌گوید: «علتش همین است که ولایات سردخانه ندارند و یک علت دیگر آن، انتقال پیاز این ولایت به پاکستان است که در فصل آن بارگیری شد. به همین دلیل، قیمت یک سیر پیاز به ۳۰۰ تا ۳۵۰ افغانی افزایش یافته و مردم دربه‌در شده‌اند.»

بهای پیاز در بازارهای ولایت‌های شمال کشور در مقایسه با سال گذشته تا پنج برابر افزایش یافته است. نبود سردخانه‌های معیاری برای انبار پیاز در فصل برداشت و صادرات این محصول به پاکستان، از دلایل افزایش بهای پیاز در بازارهای کشور خوانده می‌شود. باشندگان ولایت‌های شمال می‌گویند که در حال حاضر بهای یک کیلو پیاز در بین ۶۰ تا ۷۰ افغانی است، در حالی که سال گذشته قیمت آن در بازارهای جوزجان، فاریاب، سمنگان و سرپل بین ۱۰ تا ۱۵ افغانی بود. هرچند وزارت مالیه زیر اداره طالبان تعرفه‌های گمرکی پیاز و بادنجان رومی وارداتی را از ۲۰ درصد به ۵ درصد کاهش داده است، اما در بازارهای کشور تغییراتی در نرخ سبزیجات به‌ویژه پیاز به میان نیامده است. شهروندان در حالی از افزایش بهای پیاز شکایت دارند که در فصل برداشت سبزیجات روزانه صدها کانتینر سبزی به پاکستان صادر می‌شد. باشندگان سمت شمال خواهان کنترل نرخ‌ها و ایجاد سردخانه‌های معیاری در کشورند.

غلاممحمد، باشند شهر ایبک، مرکز سمنگان، نیز می‌گوید: «این به ضرر مردم ما است. پارسال یک سیر پیاز ۶۰ تا ۷۰ افغانی بود، اما امسال ۳۵۰ تا ۴۰۰ افغانی شده که واقعا در شرایط کنونی که مردم بیکار و وضع اقتصادی‌شان نهایت خراب است، نمی‌توانند حتا یک کیلوگرام پیاز هم بخرند. از مسوولان می‌خواهیم که در این مورد تجدید نظر کنند و سردخانه‌ها ایجاد شود تا کشاورزان ما متضرر نشوند و محصولات‌شان در یک وقت مناسب به فروش برسد.»

عبدالجمیل، باشند شهر مینمه، مرکز ولایت فاریاب، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «زمستان تازه آغاز شده، ولی قیمت سبزیجات به‌خصوص بادنجان رومی، پیاز و کچالو بسیار بلند شده است. علت آن چیست؟ هیچ نمی‌دانم.» عبدالجمیل خواستار کنترل قیمت‌ها از

با این حال، بازرگانان و دکان‌داران توضیح می‌دهند که نبود سردخانه‌های معیاری در سمت شمال سبب می‌شود که محصولات پیاز پس از گردآوری و

کاهش یافته است؛ زیرا به گفته آنان، وضعیت اقتصادی شهروندان به‌شدت آسیب دیده است و با افزایش نرخ‌ها، کمتر خرید می‌کنند.

بهای پیاز در ولایت‌های شمال کشور در حالی با سرد شدن هوا افزایش یافته است که مقدار این محصول در فصل برداشت امسال نسبت به سال‌های قبلی در بیشتر ولایت‌ها افزایش یافته بود. آمارهای موجود نشان می‌دهد که حاصلات پیاز امسال در جوزجان به بیش از پنج هزار و ۵۴۴ تن رسیده بود. این در حالی است که سال گذشته این رقم تنها چهار هزار ۲۰ تن گزارش شده بود. دلیل افزایش حاصلات پیاز در جوزجان استفاده از تخم‌های اصلاح‌شده و سازگاری آن با آب‌وهوای این ولایت عنوان شده است.

مسوولان ریاست زراعت، مالدار و آبیاری طالبان در جوزجان گفتند که در جریان امسال افغانستان مقدار زیادی از پیاز را به پاکستان و قزاقستان صادر کرده‌اند. هرچند مسوولان وزارت مالیه زیر اداره طالبان به‌تازگی مالیات واردات بادنجان رومی و پیاز به کشور را کاهش داده‌اند، اما این اقدام آنان تاکنون در سمت شمال کارساز واقع نشده است. وزارت مالیه طالبان به گمرک‌ها هدایت داده که تعرفه‌های گمرکی پیاز و بادنجان رومی را از ۲۰ درصد به پنج درصد کاهش دهند. مسوولان طالبان در وزارت مالیه می‌گویند که این دستورالعمل از یک ماه به این‌سو قابل اجرا بوده است.

گزارش‌ها می‌رسانند که در اواخر فصل تابستان و آغاز خزان روزانه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کانتینر سبزی به پاکستان صادر می‌شد. محمدصادق، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان، در صفحه توئیترش این موضوع را تأیید کرده است.

بسته‌بندی در فصل برداشت، در بدل بهای اندکی به پاکستان صادر شود و در فصل‌های دیگر سال به‌ویژه زمستان با بهای بلند دوباره به افغانستان وارد شود.

بکتاش، یکی از بازرگانانی است که سبزیجات را به شکل عمده از ولایات خریداری می‌کند و در کابل به فروش می‌رساند. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «از یک ماه به این‌سو قیمت‌ها افزایش یافته است. علتش هم این است که سبزیجات به‌ویژه پیاز به پاکستان صادر می‌شود و همان پیاز افغانستان را پاکستان بعد از نگاه‌داری به نرخ بلند به افغانستان می‌فروشد.» او می‌افزاید که سیلاب‌ها و بارنده‌گی‌های پیهم در فصل تابستان بیشتر کشت‌زارهای افغانستان و پاکستان را تخریب کرده است و این آفت طبیعی نیز روی بهای سبزیجات به‌ویژه پیاز تأثیر گذاشته است.

دکان‌داران در سمت شمال علاوه می‌کنند که با افزایش بهای سبزیجات در کشور میزان فروش آنان

نظریه بازی و جنگ اوکراین



علی‌سجاد مولایی

از تهاجم روسیه به اوکراین نزدیک به یک سال می‌گذرد و هنوز معلوم نیست که این جنگ چه زمانی به پایان خواهد رسید. در جریان ۱۰ ماه گذشته، معادله در جنگ اوکراین چند بار تغییر کرده است. در ابتدا روس‌ها با حملات برق‌آسا چند شهر مهم اوکراین را تصرف کردند و شاید پوتین چنین فکر می‌کرد که می‌تواند در ظرف چند ماه قضیه اوکراین را تمام کند؛ اما اوکراینی‌ها تا این‌جا کار توانسته‌اند پاسخ خوبی به تهاجم روسیه بدهند. آن‌چه توجه خیلی از کارشناسان بین‌المللی را به طرف خود جلب کرده، روحیه بالای اوکراینی‌ها برای دفاع از کشورشان است. همین موضوع سبب شده است که اوکراین تا هنوز در مقابل حملات روسیه تاب بیاورد. البته این نکته را نباید فراموش کنیم که ایالات متحده به‌صورت خاص و کشورهای غربی به شمول اعضای ناتو کمک‌های فراوان مالی و تسلیحاتی به اوکراین کرده‌اند. با فرسایشی شدن جنگ اوکراین این سوالات نزد بسیاری شکل گرفته است که آینده این جنگ به کجا خواهد انجامید؟ کدام طرف در جنگ پیروز خواهد شد؟ سناریوهای محتمل برای پایان این جنگ چیست؟ در این نوشته تلاش می‌کنم به پرسش‌های فوق با استفاده از نظریه بازی پاسخ دهم.

نظریه بازی چیست؟

نظریه بازی در طول یک قرن گذشته شاهد رشد و پیشرفت چشم‌گیری در حوزه‌های مطالعاتی مختلف بوده است. این نظریه حالا تنها یک نظریه ریاضیات کاربردی و مختص به علم اقتصاد نیست و وارد عرصه‌ها و رشته‌های مختلفی چون سیاست، محیط زیست، روان‌شناسی و مدیریت شده است. در عرصه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی این نظریه در صدد تحلیل رفتار دولت‌ها براساس مطلوبیت‌ها، ترجیحات و تصمیمات آن‌ها است. استفاده از این نظریه برای سیاست‌گذاران و استراتژیست‌ها این امکان را می‌دهد که سناریوها و نتایج محتمل را بررسی کنند. بررسی سناریوهای و نتایج درکی بهتر از مسایل و پدیده‌ها به سیاست‌گذاران می‌دهد و از این‌حیث این نظریه نه‌تنها بُعد توصیفی و تحلیلی دارد، بلکه دارای بُعد تجویزی نیز است. نظریه بازی‌ها (Game Theory) به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل عقلانی می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب‌شده توسط خود وی، بلکه به راهبرد انتخاب‌شده توسط بازیگران دیگر هم بسته‌گی داشته باشد. زنده‌گی روزمره ما، مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مذاکرات تجاری بین دو کشور، جنگ تبلیغاتی بین دو شرکت رقیب، رای دادن دو سهام‌دار، بازی بین استاد و دانشجو برای تعیین کیفیت درس، بازی دولت و شهروندان برای اعلام و پذیرش سیاست‌ها و پیشنهاد و رد از دواج بین یک زن و مرد اشاره کرد.

برای تعریف فضای بازی، مشخص کردن عناصر زیر لازم و کافی است:

- بازیگران: طرف‌های بازی که هر کدام حداقل دو راهبرد در اختیار دارد.
- راهبرد در اختیار هر بازیگر: زنجیره‌ای مرتب از اقداماتی است که بازیگر می‌تواند در قدم‌های مختلف بازی برگزیند.

- ترتیب بازی: این‌که در هر قدمی از بازی، چه بازیگری حرکت می‌کند.
- ساختار اطلاعاتی: در هر لحظه از بازی هر بازیگری می‌تواند چه اطلاعاتی را از حرکت‌ها و ترجیحات طرف مقابلش بداند.
- خروجی‌های بازی: وقتی بازی به انتها می‌رسد، چه نتایجی به بار می‌آید.^۱

نظریه بازی‌ها مضمون تعداد زیادی از بازی‌ها است که در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و به‌خصوص در موارد صلح و جنگ نظریه بازی «جوجه/مرغ»^۲، معمای زندانی^۳ و شکار گوزن^۴ کاربرد بیشتر دارد. در این‌جا ما برای تحلیل بهتر جنگ اوکراین از مدل تحلیلی بازی جوجه استفاده می‌کنیم.

بازی جوجه چیست؟

بازی جوجه یا بازی عقاب و کبوتر (Hawk - Dove Game) یک مدل موثر برای تحلیل برخورد و تلاقی دو بازیگر است. واژه جوجه/مرغ، ریشه در یک بازی خیابانی دارد که دو راننده مقابل یک‌دیگر در یک جاده باریک قرار دارند و با سرعت به سمت یک‌دیگر حرکت می‌کنند. در این بازی برنده کسی است که تا آخر ادامه می‌دهد و بعد از دیگری فرمان را می‌چرخاند. به عبارت دیگر، بازیگری که زودتر کنار بکشد، بازنده است. به همین دلیل بازیگر پیروز او را «جوجه ترسو» خطاب می‌کند. بدترین سناریو در این بازی، تصادم و شاخ‌به‌شاخ شدن هر دو بازیگر است. اولین بار توماس شلینگ در کتاب تسلیحات و نفوذ نظریه بازی جوجه را برای تحلیل فضای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در دوران جنگ به کار بست.^۵

پس استفاده از نظریه بازی، می‌توانیم سه سناریوی احتمالی را برای جنگ اوکراین طرح کنیم. ذکر این نکته مهم است که در نظریه بازی عقلانیت، دسترسی به اطلاعات و خواندن فضای روانی حریف حیاتی و سرنوشت‌ساز است.

۱. پیروزی روسیه

اگر زلنسکی یا اوکراین در مسیر از این جنگ کنار بکشد یا تن به مذاکره در شرایطی بدهد که در میدان نبرد نیز وضعیت خوبی ندارد، این یک پیروزی برای روسیه و پوتین است. پیروزی روس‌ها چند پیامد مهم خواهد داشت: اول، این‌که روس‌ها به نظم امریکامحور و تک‌قطبی پایان بخشیده و عصر جدیدی را در روابط بین‌الملل آغاز می‌کنند. دوم، روس‌ها توانسته‌اند ادعای‌شان برای پس‌گیری جغرافیای روسیه قدیمی را کامل کنند. به نظر نمی‌رسد که روس‌ها و پوتین با ساده‌گی از بازی کنار بروند. به عقیده خیلی از تحلیل‌گران غربی، پوتین «دیوانه» شده است و جنون پیروزی دارد. برای پیروزی در این بازی، واقعا هم باید یک دیوانه بود. شاید به همین دلیل است که اسم دیگر این بازی، «بازی دیوانه» است. یکی از استراتژی‌های معروف در این بازی «تشدید تا کاهش» است؛ یعنی بازیگر «الف» آن‌قدر جنگ را تشدید می‌کند تا بازیگر «ب» از مسیر خارج شود. روسیه با قطع کردن گاز به روی اروپا و با استفاده از حملات موشکی و پهپادی برای تخریب زیرساخت‌های اوکراین، عملاً تلاش می‌کند جنگ را تشدید و اوکراین را مجاب کند تا از مسیر خارج یا هم تسلیم شود.

۲. پیروزی اوکراین

در ماه‌های آخر اوکراینی‌ها پیروزی‌های چشم‌گیری در میدان نبرد داشته و تا اندازه‌ای توانسته‌اند

نیروهای روسی را عقب بزنند. نیروهای اوکراینی در سپتامبر سال گذشته نیروهای روسی را در نزدیکی خارکیف زمین‌گیر کردند تا نشان بدهند که برای پیروزی و واپس‌گیری شهرهای‌شان مصمم‌اند. اوکراینی‌ها اگر می‌خواهند پیروز شوند، باید فشار را به حداکثر برسانند. این فشار می‌تواند تحریم‌های سنگینی روی روسیه و قطع ارتباط تجاری با این کشور باشد تا این کشور از نظر اقتصادی زمین‌گیر شود و در سوی مقابل اوکراینی‌ها در زمین نیز باید تلاش کنند که مهمات، اسلحه و نیروی انسانی کم نیاورند. این امر مستلزم کمک و همکاری غرب به‌ویژه ناتو و از جمله امریکا است. ایالات متحده وعده سپرده است که سیستم دفاع هوایی (پاتریوت) به اوکراین کمک خواهد کرد تا آسیب‌پذیری این کشور در مقابل حملات هوایی روسیه را کمتر کند. اوکراین برای پیروزی باید روسیه و پوتین را متقاعد کند که تا آخر می‌جنگد و پیروز می‌شود و این پیروزی خسارت جدی به روسیه وارد خواهد کرد. از طرفی، قرار نیست که اتحاد کشورهای غربی متفرق شوند و یا کنار بکشند. تنها زمانی که پوتین هیچ امیدی به پیروزی در اوکراین نداشته باشد، اروپا همیشه امن خواهد بود. استراتژی‌ای که اوکراین می‌تواند برای پیروزی در این بازی به کار بندد، این است که فرمان/اشترتینگ موثر را از جای برداشته و از پنجره به بیرون بیندازد. این بدان معنا است که به طرف مقابل باید نشان بدهد که دست‌بردار نیست و برای پیروزی مصمم است.

۳. بدترین سناریو؛ تصادم هر دو

اگر هر دو راننده کنار نکشند و تا ثانیه آخر ادامه بدهند، در آن صورت بدترین سناریو به وقوع می‌پیوندد و جنگ اوکراین ابعاد بزرگ‌تری پیدا می‌کند. در آن صورت، سایر کشورها نیز در این جنگ دخیل خواهند شد. تبعات این تصادم می‌تواند خیلی گسترده و فاجعه‌آمیز باشد و یک یا چند کشور را به‌صورت کامل ویران و غیرقابل زنده‌گی کند.

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد که پوتین با قواعد این بازی به‌خوبی آشنا است و همواره تا آخر ادامه داده و پیروز شده است. این موضوع را می‌توان در جنگ شبه‌جزیره کریمه، گرجستان و سوریه دید. پیروزی در این نبردها به پوتین اعتمادبه‌نفس بیشتر داده است که از حمله به اوکراین دست نکشد و یا طبق قواعد بازی از جاده کنار نرود. در سوی مقابل، غرب (ایالات متحده و ناتو) این بار قرار نیست یا پس بکشند؛ چون این موضوع آسیب جدی به پرستیژ بین‌المللی امریکا می‌زند و فلسفه وجودی ناتو را زیر سوال می‌برد. از سوی، اوکراینی‌ها بعد از چند پیروزی اخیر روحیه بیشتری برای دفاع دارند. با این حساب، باید منتظر ماند و دید که سردی زمستان اروپا و غرب را از پای می‌اندازد یا سربازان روسی را مجبور به عقب‌نشینی می‌کند.

1- Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraff, Jr. (2000). *Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey*. Pearson College; 5th edition.
2- *Chicken's Game*
3- *Prisoner dilemma*
4- *Stag Hunt*
5- Schelling, Thomas (1966). *Arms and Influence*. Yale University Press

توقف توزیع پاسپورت برای شهروندان؛

طالبان به مبلغان مذهبی پاسپورت توزیع می‌کنند

۸صبح، نیمروز: منابع معتبر از ولایت نیمروز می‌گویند که با وجود توقف توزیع پاسپورت برای شهروندان عادی، طالبان به مبلغان مذهبی پاسپورت توزیع می‌کنند.

منابع روز جمعه، ۱۶ جدی، در صحبت با روزنامه ۸صبح ادعا می‌کنند که طالبان به مبلغان مذهبی پاسپورت توزیع می‌کنند تا برای تبلیغ به پاکستان سفر کنند.

براساس ادعای منابع، چندین گروه از باشندگان نیمروز که قرار بود برای تبلیغات مذهبی به پاکستان سفر کنند، جهت اخذ پاسپورت به کابل سفر کرده‌اند.

منابع می‌افزایند که ریاست پاسپورت طالبان برای این گروه‌های تبلیغی پاسپورت توزیع کرده است.

گفته می‌شود پس آن‌که اعضای گروه‌های تبلیغی به ریاست پاسپورت مراجعه کرده‌اند، این اداره آنان را شامل تشکیلات کرده و به نواحی و ولسوالی‌های کابل جهت تبلیغ فرستاده است.

منابع خاطرنشان کرده‌اند که ریاست پاسپورت به این اشخاص وعده داده بود که هرگاه دوره‌های تبلیغی ۳۰ تا ۴۰ روزه‌شان را تکمیل کنند، پاسپورت‌های‌شان را آماده می‌کند.

منابع از ولایت نیمروز نیز تایید می‌کنند که چندین تن از اعضای گروه‌های تبلیغی این ولایت پس از سپری کردن دوره‌های تبلیغی در کابل، پاسپورت‌های‌شان را از ریاست پاسپورت دریافت کرده‌اند.

پیش از این نیز گزارش‌هایی از فساد مالی ریاست پاسپورت طالبان در رسانه‌ها نشر شده بود که براساس آن سران طالبان در بدل پول هنگفت به شماری از متقاضیان پاسپورت توزیع می‌کنند.



رویدادهای ترافیکی در غور و بادغیس؛ یک تن کشته و ۱۱ تن زخمی شدند

۸صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور از جان باختن یک تن و زخمی شدن نه تن دیگر در پی یک رویداد ترافیکی در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع روز جمعه، ۱۶ جدی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که حوالی شام امروز در پی واژگون شدن یک موتر نوع مازدا در منطقه کشکک ولسوالی دولت‌یار ولایت غور یک تن کشته و نه تن دیگر زخمی شده‌اند.

به گفته منابع، زخمی‌های این رویداد برای مداوی به شفاخانه ولایتی غور منتقل شده‌اند.

در همین حال، در یک رویداد ترافیکی دیگر در منطقه لامان ولایت بادغیس دو تن زخمی شده‌اند.

منابع وضعیت یکی از زخمی‌ها را وخیم گزارش داده‌اند. این رویداد ظهر روز جمعه، ۱۶ جدی، در پی برخورد یک موترسایکل با یک موتر رخ داده است.

رویدادهای ترافیکی در این اواخر افزایش یافته و علت اصلی آن خرابی جاده‌ها و بی‌احتیاطی راننده‌گان عنوان شده است.





مقدمه

این روزها که طالبان ماهیت واقعی‌شان را هویدا کرده و به باور خود بی‌هیچ ترسی از مخالفان داخلی و «کفار خارجی»، در «تطبیق شریعت» سرگرم‌اند، ساده‌دلانی هنوز به تغییر رفتار آنان امید بسته‌اند. طالبان دارای مشخصاتی‌اند که من از آن‌ها به بنیادهای فکری این گروه تعبیر می‌کنم. همین مشخصات است که از این مفکوره یک سنت واپس‌گرا و تمدن‌ستیز تولید کرده است. همین مشخصات و مختصات طالبانیسم را شکل داده است که در نگاه ژرف‌تر بیش از یک قرن است در کشور مانع توسعه و رشد علم و اخلاق انسانی شده است. ضدیت با حضور سالم اجتماعی زنان و آموزش آنان و طرح حقوق برابر انسانی، مهم‌ترین ویژه‌گی طالبانیسم به شمار می‌رود. امروز به تجربه ثابت شده است که پیش‌رفت و غلبه بر فقر و ناتوانی انسان، امری ناممکن و مقدر نیست که نتوان با آن مجادله کرد؛ اما کشتن روحیه خردگرایی و احیای تقدیرگرایی توسط طالبانیسم، این امور را به نوعی تغییرناپذیر کرده است. آموزش عصری کلید توسعه و پیش‌رفت و نگرش داشتن حقوق برابر شهروندی بنیاد این امر در تاریخ معاصر است، اما مردم ما در سایه سلطه طالبانیسم یک قرن است که از پیش‌رفت، دست‌یابی به حقوق انسانی و رفاه و در یک کلام از داشتن امکانات زنده‌گی شرافتمندانه محروم‌اند. طالبانیسم چیست؟

بنیادهای فکری طالبان

مهم‌ترین مختصات طالبانیسم را می‌توان بدین‌سان برشمرد:

- باور به انحصار قدرت سیاسی توسط الیت سنتی عالمان دینی؛
- باور به اقتدارگرایی و نفی هر نوع مشارکت سیاسی توسط عامه مردم؛
- رد انتخابات و مردم‌سالاری به بهانه بدعت و غربی بودن؛
- تضاد آشتی‌ناپذیر با هر نوع آموزش عصری؛
- تضاد عمیق با حقوق برابر شهروندی؛
- دشمنی تام با مدنیت جدید و باطل‌انگاری قانون‌گرایی و حاکمیت قانون؛
- باور عمیق فرقه‌ای و تبعیض‌بنیاد؛
- مردود دانستن حضور اجتماعی زن و غیرشرعی اعلام کردن تحصیلات دانشگاهی و عصری برای آنان؛
- تضاد با هنر و موسیقی و هر نوع فعالیت شادی‌آفرین.

هر بخش از مشخصات طالبانیسم می‌تواند یک محور جداگانه برای پژوهش باشد و زبان‌ها و پیامدهای آن در زنده‌گی مردم تبیین شود. من در این‌جا به اختصار به چند ویژه‌گی اشاره کرده‌ام.

در تابستان سال ۱۴۰۰ که طالبان تازه به قدرت برگشتند، در یکی از دانشگاه‌های خصوصی در کابل سمت استادی داشتم. زمانی که قرار بود دانشگاه‌ها سمستر جدید را شروع کنند، بحث تفکیک صنوف براساس جنسیت اولین فرمانی بود که از طریق اتحادیه دانشگاه‌ها و موسسات تحصیلات عالی خصوصی به همه ابلاغ شد. روزی که برای تدریس به صنف رفتم، دیدم که از حدود ۱۷ محصل دختر، ۴ محصل حاضرند، در

حالی که پسرها اکثراً حاضر بودند. می‌خواستیم به آن‌ها اندکی امید به زنده‌گی را تقویت کنیم. از دانشجویان دختر پرسیدم که چه حسی از آینده زنده‌گی در سایه امارت دارند. هیچ‌کدام چیزی نگفت. پرسش را تکرار کردم و نزدیک‌شان رفتم، متوجه شدم آن‌ها از مشاهده دیواری که بین آن‌ها و پسران به هدف تفکیک جنسیتی کشیده شده و دیگر مشاهدات‌شان از محیط دانشگاه و رویدادهای محیط جامعه در چند هفته سلطه طالب، سخت نگران‌اند. یکی از دختران سرانجام بغض ترکید و با گریه گفت: استاد! نپرس، نابود شده‌ایم!

فضای صنف متحول شد. درس آن روز را فراموش کردم و چند بیت شعر و تکه‌ای از نثر امیدبخش از متون ادب فارسی را برای‌شان خواندم. به نظر خود خواستم بر زخم دل‌شان مرهمی بگذارم؛ اما احساس کردم فاجعه ۱۵ اگست ۲۰۲۱ و فروپاشی جمهوری در کشور، امید به زنده‌گی در یک ملت را از بنیاد نابود کرده است.

سنت فکری دیوبند، تحت تاثیر مجادلات کلامی و تعامل با افراطی‌گری در عصر جهاد افغانستان متحول شد و خلاف خاستگاه اصلی‌اش در هند که مسیر اعتدال و خردورزی را برگزید، در حوزه پاکستان به سمت افراطی‌گری به پیش رفت و با تئذیه از سنت‌های قبیل‌های و رسوم زنده‌گی و باورهای روستایی، به هیولای طالبانیسم در منطقه و افغانستان بدل شد.

طالبانیسم مکتب‌های دولتی و رسمی و دانشگاه‌ها را از مظاهر دنیای مدرن، به اصطلاح رهبران تفکر دنیای کفری تعریف می‌کند و یک نوع دشمنی آشتی‌ناپذیر با فعالیت‌های آموزشی آن‌ها را در بطن خود حمل می‌کند. به باور طالب، آموزش عصری در مکاتب رسمی و دانشگاه‌ها، بنیاد بی‌دینی نسل‌هاست و نباید توسعه پیدا کند، مگر این‌که نصاب دروس دینی در آن‌ها بیشتر از نصاب دروس عصری باشد و عالمان دینی تدریس و مدیریت را عهده‌دار شوند. بر مبنای درک و فهم طالبان از شریعت، زنان نباید از خانه بدون محرم خارج شوند و حرام قطعی است که دختران جوان و زنان زیبا با مردان در یک صنف کنار هم قرار بگیرند؛ چون این امر از نظر آن‌ها به اشاعه فحشا و مفاسد اخلاقی می‌انجامد، علاوه بر این‌که مغایر غیرت و شرافت زنده‌گی افغانی است. از سوی دیگر، این امر از نظر آن‌ها در واقع مقدمه ملحد شدن و به دوزخ بی‌دینی سقوط کردن جامعه است. مولوی عبدالحکیم حقانی، قاضی‌القضات طالبان، مدعی است که بنیاد تباهی افغانستان در گسترش آموزش‌های عصری است. او برای تایید این مدعای خود، از سلطه کمونیستان و تباهی کشور و جامعه توسط آن‌ها در دهه‌های گذشته مثال می‌آورد. مولوی ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، می‌گوید که دین برای آن‌ها مهم‌تر از توسعه است. او در پنج‌کتاب در پیش ملای روستایش خوانده و حفظ کرده است که: «غم دنیا مخور که غم دین است/ همه‌غم‌ها فروتر از این است». او می‌گوید: ما اگر توسعه را اولویت می‌دادیم، اسامه بن لادن را به امریکا می‌سپردیم. او و اکثر رهبران طالبان مدعی‌اند که درس خواندن دختران در دانشگاه و مکتب، خلاف آموزه‌های شریعت و شرافت افغانی

است. چگونه به این آدم‌ها می‌شود تفهیم کرد که جامعه فقیر و گدا محال است که قادر شود دین خود را حفظ کند. مردم بی‌سواد و جامعه‌ای که نصف آن به حریم خصوصی و خانه‌ها رانده شوند و از نعمت دانش و آگاهی به دلیل جنسیت برای همیشه محروم گردند، ناممکن است که شریعت‌مدار بماند. چه کسی می‌تواند به مغز این مخلوقات عجیب آفریدگار تزریق کند که از دیگر مسلمانان عالم یاد بگیرند و با دانش و علم به بهانه واهی مقابله نکنند؟ با چه اعجازی می‌شود به کله‌های طالبان تزریق کرد که جامعه‌ای با ۹۷ درصد گدا و فقیر، نمی‌تواند مومن بماند و محال است که دین‌شان را حفظ کنند. طالب را چگونه می‌شود فهماند که توسعه و نجات از فقر و عقب‌مانده‌گی و تولید امید به زنده‌گی تنها در سایه توسعه آموزش همه‌گانی، معیاری و بدون آپارتاید قابل دسترسی است. فرهنگ روستایی به‌عنوان پیش‌فرض ذهنی و مضامین دور از عقلانیت در مدارس دیوبندی، این جماعت را فرسنگ‌ها از عقلانیت و ظرفیت حکمرانی دور کرده است.

سه جلسه‌ای که در ماه سنبله ۱۴۰۰ ما جمعی از استادان دانشگاه‌های خصوصی در کابل با عبدالباقی حقانی، سرپرست قبلی وزارت تحصیلات طالبان داشتیم، این باور را در من تقویت کرد که طالب همان طالب دو دهه قبل است و کم‌ترین تحولی در نگرش او نسبت به هنر و موسیقی، تنوع فرهنگی و قومی، نظام سیاسی مبتنی بر اراده آزاد مردم و از جمله حضور زن در حیات اجتماعی و آموزشگاه‌ها، به وجود نیامده است. شواهد نشان می‌دهد که آن‌ها هیچ اقدامی را در مخالفت با نگرش‌های سنتی خویش تحمل نمی‌توانند. رشد علمی و پیش‌رفت تحصیلی زنان را طرحی از سوی جهان کفری دانسته و به‌زودی بساطش را برمی‌چینند. اما دلایلی موجود بود که این درک را نمی‌شد همه‌گانی ساخت و باعث مشکلاتی برای برخی از اصناف جامعه می‌شد و یأس و نومیدی را افزایش می‌داد.

تعدادی ساده‌دل اما خوش‌باور به این فکر بودند که اگر دختران دانشجو و استادان خانم حجاب را رعایت کنند و مسوولان دانشگاه‌های خصوصی برای تفکیک صنوف اقدام جدی داشته باشند، مشکلی برای ادامه کار و تحصیل نخواهد داشت. در میان اعضای مؤثر اتحادیه این‌گونه نگرش متأسفانه غالب بود. در آن میان عده‌ای را می‌دیدم که عین طالب می‌اندیشند و عاشق شریعت طالبی‌اند. با این حال همه دیدیم که مهم‌ترین دغدغه حاکمان طالب را در مدت حکمرانی سراسر وحشت و یأس‌آورشان در این نزدیک به یک‌ونیم سال، محدود کردن زنان و ایجاد مانع بر سر راه حضور مؤثر آنان در زنده‌گی اجتماعی، محدود کردن کار آن‌ها در رسانه‌ها و تصفیه ادارات و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها از وجود آن‌ها تشکیل می‌دهد.

یک واقعیت را نباید منکر شد و آن این‌که تفکر طالبانی در میان اقشار روستایی و عالمان سنتی جامعه همیشه بستر مساعدی داشته است. هزاران مسجد و مدرسه دینی و دارالحفاظ در شهرها و روستاها و اکثر دانشکده‌های شرعیات دانشگاه‌های دولتی در سراسر کشور، تربیون‌های خوبی را در اختیار این نگرش افراطی و واپس‌گرا قرار داده بود که هر مبارزه‌ای را برای به حاشیه راندن آن، ناکام و یا با دشواری‌های خاص خود همراه می‌کرد. در سال‌های پسین و قبل از فروپاشی جمهوری، من نگران بودم که اصلاحات شتاب‌زده و دور از حزم مانند گذشته کشور را به سمت فروپاشی می‌برد و این روند ناسنجیده و دور از احتیاط مبتنی بر خرد به کمک عوامل متعدد دیگر همیشه نظام‌سازی و دموکراسی و آزادی‌خواهی را در برابر این جریان علم‌ستیز تحت تاثیر سنت واپس‌گرای دیوبندی ناکام ساخته است. در گزارشی که سال‌ها پیش در عصر جمهوری از بی‌بی‌سی نشر شد، این واقعیت و ترس هواداران نخله دیوبندی از تحولات سریع و نوسازی شتاب‌زده جامعه به‌نحو بسیار بی‌پرده بیان شد. گزارش از یک مدرسه دینی زنانه در کندز بود که از میان دختران روستایی این ولایت یارگیری

داشت. صدها دختر ساده‌دل و معصوم را با تمام مظاهر زنده‌گی شهری دشمن ساخته بود، به‌گونه‌ای که در روابط سنتی خانواده‌ها هم دچار مشکل شده بودند. طالبانیسم معتقد است که زن باید در خانه بماند و جز در موارد ضروری همراه محرم خارج نشود. بر مبنای این باور، زن‌ها نباید در جامعه و در جاهای مختلط با مردان مشغول کار شوند و یا درس بخوانند. اما نمی‌دانم برای یارگیری و نفوذ در جامعه، چگونه خروج دختران جوان و ساده‌دل روستاهای کندز و دیگر مناطق روستایی کشور را توجیه شرعی می‌کردند. اگر قضاوت منصفانه داشته باشم، به نظرم در تقابل دو دهه میان طالبانیسم و جمهوریت در امر نوسازی کشور و صرف هزینه‌های بسیار زیاد، این طالبانیسم است که منسجم‌تر و مصمم‌تر ظاهر شده است و در یارگیری از میان مردم فقیر و ساده‌دل کشور خصوصاً در روستاها به‌مراتب از حکومت نوگرای جمهوریت موفق‌تر عمل کرده است.

ما اگر حافظه تاریخی می‌داشتیم و ریشه‌ها و عوامل عقب‌مانده‌گی کنونی کشورمان را به نسل‌های بعدی خود انتقال می‌دادیم، احتمال قوی این بود که از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شدیم؛ اما در این رسالت گذشته‌گان ما ناکام بودند. برای همین، مکرراً از یک سوراخ گزیده می‌شویم، ولی عبرت نمی‌گیریم. رویاهای پیش‌رفت و عصری شدن مردم از دوران نوسازی و اصلاحات امان‌الله خان با طالبانیسم و سنت دیوبندی، مواجه شد و این پدیده هر زمانی که دولت‌ها قدرت اجبارش فرسایش پیدا کرده و ضعیف می‌شد، تبدیل به چالش و تهدید جدی برای نظام سیاسی می‌گردید. در دو دهه گذشته این جریان از همین فرصت‌ها و ابزارها به‌خوبی بهره گرفت و مقدمات سقوط کل نظام را در تابستان ۱۴۰۰ تدارک دید. در سایه مذاکرات دوحه، چنان فرصت پیش‌رفت را از ملت گرفتند که بعید است دیگر در قرون آینده - اگر کشوری داشته باشیم - نسل‌های بعدی ما شاهد آن باشند. فرصت طلایی و تاریخی که مردم ما برای اولین بار مورد حمایت سخاوتمندانه جامعه جهانی قرار گرفته بودند و می‌رفت که خود را از مرض عقب‌مانده‌گی و انحطاط مزمن برای همیشه برهانند.

طالبانیسم هم اکنون یک نگرش واپس‌گرایانه است که با بی‌تدبیری و بی‌کفایتی تام نخبه‌گان رسمی افغانستان، بر مسند قدرت برگشته و سمرست از باده قدرت و «پیروزی صوری بر ناتو»، در تطبیق ارزش‌های خود بر جامعه از هیچ مرجعی در داخل و خارج بیم و نگرانی ندارد. زبان‌های سلطه و حکمرانی ستم‌گرا نه‌شان اگرچه عمدتاً متوجه مردم فقیر و بی‌دفاع افغانستان خاصاً زنان است، اما دود آتش آن دیگران را در منطقه و جهان هم بی‌نصیب نخواهد گذاشت. طالبانیسم با چنین مشخصاتی هم اکنون بر مقدرات کشور مسلط است. همه می‌دانیم که طالبان نه ظرفیت لازم مدیریتی را دارند که بتوانند با چالش‌های اقتصادی و فقر همه‌گیر مقابله کنند و نه ظرفیت تحمل مخالفان سیاسی را دارند که بتوانند با مشارکت آنان دولت فراگیر بسازند و نه طرحی برای حل بحران‌های تهدیدگر هستی کشور دارند. نه تفکر مشوره‌پذیری و هوش عبرت‌گیری از تکرار تاریخ را دارند. با یک نظام سیاسی فاقد مشروعیت داخلی و بین‌المللی و با یک جمعیت گرسنه و عصبانی بیشتر از سی میلیون زن و مرد و کودک، به حکم خرد طالبان نمی‌توانند مدت طولانی بر سلطه خود با اتکا بر سرنیزه‌شان تداوم دهند. به باور من، شرایط داخلی کشور، منطقه و جهان هرگز مانند دو دهه قبل نیست. تاثیر ژرف رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بر افکار عامه و حضور یک قشر باسواد و مصمم در مبارزه با طالبان، دیر یا زود اجماع نسبی ملی را در برابر مظالم و انحصارگرایی و سنت آپارتاید طالبانی شکل خواهد داد و این امر می‌تواند سیاست‌های خارجی دولت‌های منطقه و قدرت‌های تاثیرگذار را در حمایت از حقوق اساسی مردم افغانستان خصوصاً «حق کلیدی تعیین سرنوشت» وارد کارزار عملی کند و طالبانیسم را زودتر از دوره سلطه جبارانه قبلی‌شان از مسند قدرت به زیر بکشد.

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

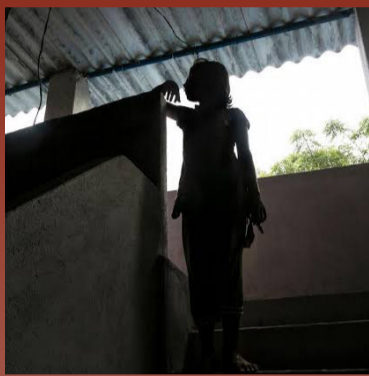
صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سر دبیر: حبیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq, Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بر اساس گزارش‌ها، هزاران تن از باشندگان منطقه وانی وزیرستان جنوبی پاکستان در برابر افزایش تروریسم در مناطق قبایلی اعتراض کردند. رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که معترضان روز جمعه، ۶ جنوری، با اهتزاز پرچم‌های سفید و کوبیدن طبل‌های سنتی، از مقام‌های پاکستان خواسته‌اند تا صلح را به منطقه بازگردانند. گزارش‌ها می‌رسانند که رهبران وابسته به احزاب سیاسی متعدد در این اعتراض حضور داشته و دولت را مسوول افزایش رویدادهای تروریستی در سراسر پاکستان دانسته‌اند. معترضان به مقام‌های حکومت پاکستان هشدار داده‌اند که اعتراضاتشان را در این منطقه تا نابودی تروریست‌ها ادامه خواهند داد.

ثبت ۳۶۵ مورد سوءاستفاده جنسی از کودکان در خیبرپختون‌خواهی پاکستان



پولیس ایالت خیبرپختون‌خواهی پاکستان گزارش داده که طی یک سال گذشته دست‌کم ۳۶۵ پرونده سوءاستفاده جنسی از کودکان در این ایالت را به ثبت رسانده است. روزنامه دان روز جمعه، ۶ جنوری، به نقل از محمدعلی باباخیل، فرمانده پولیس این ایالت، گزارش داده که از میان ۳۶۵ پرونده ثبت‌شده، دست‌کم چهار قربانی سوءاستفاده جنسی از سوی عاملان به قتل رسیده‌اند. پولیس این ایالت در نشست مشورتی با نهادهای حامی کودکان گفته که در پیوند به این پرونده‌ها ۳۲۹ تن را بازداشت کرده‌اند. پولیس گفته که مردی را از شهر پشاور به ظن سوءاستفاده از سه کودک و قتل دو آنان بازداشت کرده است.

در همین حال، پولیس این ایالت دست‌کم ۲۸۳ مورد سوءاستفاده جنسی از نوجوانان را نیز به ثبت رسانده که ۱۱ قربانی در پایان به قتل رسیده‌اند. نشست مشورتی با پولیس این ایالت به‌گونه مشترک از سوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) و کمیسیون ملی حقوق کودکان پاکستان برگزار شده بود.

حمله سایبری بر توپیتز؛ هکرها اطلاعات ۲۰۰ میلیون کاربر را دزدیدند

یک محقق امنیتی به رسانه‌های بین‌المللی گفته است که هکرها بر پرند آبی حمله و ایمیل‌های دست‌کم ۲۰۰ میلیون کاربر این پلتفرم را افشا کرده‌اند. خیرگزاری رویترز روز جمعه، ۶ جنوری، گزارش داده که آلون گال، یکی از بنیانگذاران شرکت نظارت بر امنیت سایبری اسرائیلی هادسون راک، در حساب لینکدین خود از این حمله سایبری خبر داده است. او گفته است: «این نقض متأسفانه منجر به هک، فیشینگ هدفمند و داکسینگ خواهد شد و این یکی از مهم‌ترین افشاگری‌هایی است که تاکنون دیده‌ام.» پرند آبی در مورد این گزارش که گال برای اولین بار در ۲۴ دسامبر در رسانه‌های اجتماعی نشر کرد، اظهار نظری نکرده است و از آن زمان تاکنون به سوالات مربوط به این اتفاق پاسخ نداده است. اطلاعات کاربران توپیتز که مورد حمله قرار گرفته‌اند، روز چهارشنبه، در صفحه انجمن هکرها ظاهر شده است. با این حال، تاکنون هویت و مکان هکرها مشخص نیست. گفته می‌شود که این حمله سایبری ممکن است، اوایل سال ۲۰۲۱ میلادی انجام شده باشد، هنگامی که ایلان ماسک توپیتز را نخریده بود.

زن هندی پس از ۴۰ سال صفاکاری پیروز انتخابات شهرداری شد



گایا با انتخاب چینتا دیوی به‌عنوان معان شهرداری، تاریخ‌ساز شده‌اند. دیوی گفته است که اوایل در مورد نامزدی‌اش متردد بود، اما اکثر دوستانش، به شمول اتحادیه جاروب‌کشان او را به اشتراک در انتخابات ترغیب کردند و در نهایت وی به مبارزه پرداخت. تعهد به کارش من‌حیث جاروب‌کش، به‌ویژه در زمان همه‌گیری ویروس کرونا، یکی از دلایل پیروزی او در انتخابات گفته شده است. در این انتخابات از میان ۱۷ کرسی، ۱۶ آن را زنان به دست آورده‌اند و ضمناً تمامی ۱۱ کرسی معاونان شهرداری این ایالت نیز به نام زنان رقم خورده است.

یک زن هندی که برای ۴۰ سال تشناب‌ها، چاه‌های فاضلاب و جاده‌ها را پاک می‌کرد، به‌عنوان معاون شهرداری شهر گایای ایالت بیهار هند انتخاب شده است. رسانه‌های هندی روز جمعه، ۶ جنوری، گزارش داده‌اند که چینتا دیوی با وجود مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی که در برابرش بود، با گرفتن ۱۶ هزار رای بیشتر از رقیبان، پیروز شده است. سه پسر دیوی نیز در بخش نظیف شهرداری کار می‌کنند. شوهرش که او نیز سالیان متمادی به‌عنوان جاروب‌کش در شهرداری گایا کار کرده بود، دو سال پیش درگذشت. رسانه‌های هندی گزارش داده‌اند که باشندگان شهر

اسلام‌آباد حملات هوایی بر مواضع طالبان پاکستانی در قلمرو افغانستان را رد کرد

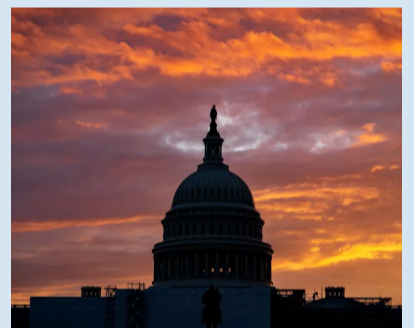


این رویداد پس از آن رخ می‌دهد که براساس نشست شورای امنیت ملی پاکستان، این کشور عملیات تصفیه‌ای علیه طالبان پاکستانی را آغاز کرده است. شبکه سی‌ان‌ان نیز ۱۸ گفته است که نیروهای هوایی پاکستان با پروازهایی در امتداد خط مرزی با افغانستان، اهداف متعدد را برای عملیات شناسایی کرده‌اند. شورای امنیت پاکستان پس از یک جلسه دو روزه زیر عنوان «مبارزه با تروریسم»، اعلام کرد که بر مواضع طالبان پاکستانی در پاکستان و افغانستان حمله می‌کند. مقامات آن کشور تصریح کرده‌اند که امنیت پاکستان «سازش‌ناپذیر» است و نیروهای پاکستانی از خاکشان محافظت خواهند کرد. گفتنی است که تصمیم پاکستان مبنی بر راه‌اندازی حملات احتمالی بالای مواضع طالبان پاکستانی در افغانستان با واکنش رژیم طالبان روبه‌رو شده بود. این گروه پیش از این حضور اعضای تی‌تی‌پی در قلمرو افغانستان و سازماندهی حملات بر شهرهای پاکستان را رد کرده بودند.

۸صبح، کابل: وزارت خارجه پاکستان خبرهای نشرشده در مورد حملات جنگنده‌های این کشور بر مواضع طالبان پاکستانی در ننگرهار را رد کرد. این نهاد پنج‌شنبه‌شب، ۱۵ جدی، گفت که عملیات بر جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) در قلمرو افغانستان «بی‌اساس» است. وزارت خارجه این کشور در حالی حملات بر قلمرو افغانستان را رد می‌کند که براساس گزارش روزنامه ۸صبح و شبکه سی‌ان‌ان نیز ۱۸، جنگنده‌های پاکستانی اهدافی را در ساحه ساللا، واقع در ولسوالی گوشته ننگرهار بمباردمان کرده‌اند. در کنار این حملات، نیروهای پاکستانی با طالبان در خط مرزی تورخم درگیر شده‌اند. این رسانه به نقل از مقامات پاکستانی گزارش داده که درگیری از سوی طالبان آغاز شده و در نتیجه آن، یک شهروند افغانستان کشته و یک افسر پاکستانی زخمی شده است. همچنان براساس این گزارش، نظامیان پاکستانی در پی عملیاتی در وزیرستان جنوبی، دست‌کم ۱۱ عضو تی‌تی‌پی، به شمول یک فرمانده آن را کشته‌اند.

نمایندگان کنگره امریکا بار دیگر در انتخاب رییس ناکام شدند

کوبین مک کارتی، نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان امریکا، با وجود پیش‌رفت قابل توجهی در کسب رای اکثریت برای ریاست مجلس، نتوانست آرای لازم را به دست آورد. پس از دو رای‌گیری در روز جمعه، ۶ جنوری، مک کارتی ۲۱۴ رای به دست آورد، اما نتوانست رای اکثریت ۲۱۸ نماینده را به خود جلب کند. برای اولین بار از زمان آغاز رای‌گیری در روز سه‌شنبه، مک کارتی از هاکیم جفریس، رهبر دموکرات‌ها که ۲۱۲ رای در سیزدهمین دور انتخابات به دست آورد، پیشی گرفت. حدود ۱۲ قانون‌گذار راست افراطی که قبلاً با پیشنهاد مک کارتی مخالفت کرده بودند، از او حمایت کرده‌اند. او یک روز پیشتر ۲۰۱ رای دریافت کرده بود. جو بایدن، رییس جمهور امریکا، ناکامی نمایندگان برای گزینش رییس مجلس را شرم‌آور خوانده بود. او در این مورد گفت: «این [انتخاب رییس] یک آبروریزی و شرم‌آور است و زمان زیادی طول می‌کشد. نحوه برخورد آن‌ها [قانون‌گذاران جمهوری‌خواه] با یک‌دیگر خجالت‌آور است.» این نخستین بار در یک قرن گذشته است که مجلس نمایندگان امریکا نتوانسته در دور اول یک قانون‌گذار را به‌عنوان رییس انتخاب کند.



امریکا شماری از اعضای قدس ایران را به اتهام فروش پهپاد به روسیه تحریم کرد

خبرگزاری رویترز گزارش داده است که دولت امریکا شماری از مدیران و اعضای شرکت «صنایع فضایی قدس» ایران را به اتهام فروش پهپاد به اوکراین تحریم کرده است. وزارت خزانه‌داری امریکا روز جمعه، ۶ جنوری، اعلام کرد که شش مدیر ارشد و عضو هیات مدیره این شرکت سازنده پهپادهای نظامی را تحریم کرده است. این وزارت همچنان مدیر «سازمان صنایع هوا - فضای ایران» که از برنامه موشک‌های بالستیک این کشور نظارت می‌کند را نیز تحریم کرده است. ژانت یلن، وزیر خزانه‌داری امریکا، در بیانیه‌ای گفته است که ایالات متحده از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد، برای جلوگیری از دسترسی روسیه به تسلیحاتی که در «جنگ وحشیانه و بی‌دلیل» علیه اوکراین به کار می‌گیرد، استفاده می‌کند. پیش از این حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران، مدعی شد که ایران «ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین» به روسیه پهپاد تحویل داده بود و اگر در این جنگ از آن‌ها استفاده شده باشد، ایران بی‌تفاوت نخواهد بود. بعد از آن گزارش شد که مقام‌های اوکراینی و ایرانی در مورد استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین نشست و گفت‌وگو کرده‌اند.